

۲ سیاست

گرسنت؛ زخم ۲۰ ساله

پیشنهاد دوباره زنگنه به جلیلی برای مناظره

۳ افق

نبرد روایت‌ها

عراقچی، دیدار با ویتکاف را تکذیب کرد

۴ کافه

گنج افشار

انتشار عکس‌ها و اسناد ایرج افشار



سوالات تلویحی مهدی سنایی، مشاور سیاسی رئیس‌جمهور و معاون سیاسی دفتر ریاست‌جمهوری از سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه درباره رویکرد ایران در مواجهه با قدرت‌های جهانی

برنامه آینده چیست؟

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



در نشست‌های تحلیلی که با حضور دکتر مهدی سنایی، مشاور سیاسی رئیس‌جمهور و معاون سیاسی دفتر ریاست‌جمهوری و محمدجواد ظریف، وزیر پیشین خارجه ایران در دفتر مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا برگزار شد، موضوع آینده سیاست خارجی ایران در دوران «پسایرجام و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل» به بحث گذاشته شد؛ نشست که لحن و مضمون سخنان مهدی سنایی نشان می‌داد بیش از یک تحلیل آکادمیک، نوعی هشدار سیاسی درون‌ساختاری است.

سنایی بدون اشاره مستقیم به نام‌ها پرسش‌هایی را مطرح کرد که مخاطب آن به‌روشنی در وزارت امور خارجه قابل شناسایی بود؛ از جمله پرسش‌هایی درباره مسیر آینده دیپلماسی ایران، احتمال گفت‌وگوهای جدید با قدرت‌های جهانی و تصمیم کشور در قبال سیاست مقاومت یا مصالحه. او گفت: «پرسش امروز مردم و نخبگان این است که برنامه آینده کشور چیست؟ آیا قرار است تا پایان دولت کنونی آمریکا صبر کنیم، یا در قالبی تازه و با زبانی متفاوت وارد گفت‌وگو شویم؟»

ایمن پرسش‌ها در بطن خود، نشانه‌ای از ناهماهنگی در سطح تصمیم‌گیری سیاست خارجی است؛ جایی که نه سیاست «مقاومت فعال» به معنای دقیق آن تعریف شده، نه گزینه «تعامل فراگیر» یا جهان چارچوب روشنی یافته است. ضمن اینکه نشان می‌دهد، سنایی مشاور سیاسی رئیس‌جمهور که دیپلمات برجسته‌ای است و در تمامی

سفرهای خارجی رئیس‌جمهوری و دیدارهای داخلی و خارجی پزشک‌بان، رئیس‌جمهوری را همراهی می‌کند، نمی‌داند که دست فرمان ما در سیاست خارجی به خصوص پس از جنگ ۱۲ روزه و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل چیست.

سنایی در بخش دیگری از سخنانش با

اشاره به تغییرات سریع در ساختار قدرت جهانی، گفت: «جهان امروز در حال گذار از نظم قدیم است و هر کشوری که این تغییر را درست درک نکند، سهمی در نظم جدید نخواهد داشت». او افزود: «در قانون اساسی ما هر دو رویکرد انقلابی و محافظه‌کارانه وجود دارد و هنر سیاست خارجی آن است

که میان این دو تعادلی هوشمند برقرار کند.» برخی از تحلیلگران حاضر در نشست این سخنان را نوعی انتقاد تلویحی و غیرمستقیم به عملکرد وزارت خارجه و تیم فعلی دیپلماسی ایران تعبیر کردند. به‌ویژه آنکه سنایی با پیشنهاد طولانی در مسکو و تجربه شناخت میدانی از مناسبات روسیه و غرب از جمله افرادی است که همواره بر ضرورت درک واقع‌بینانه از تحولات بین‌المللی تأکید داشته است. او در واقع هشدار داد که سیاست خارجی ایران نباید در فضای انتظار و انفعال باقی بماند و لازم است برای مواجهه با جهان جدید، طرحی تازه و چندلایه ارائه کند؛ طرحی که نه صرفاً بر شعار مقاومت تکیه دارد و نه در دام خوش‌بینی ساده‌لوحانه نسبت به غرب می‌افتد.

به نظر می‌رسد، سخنان سنایی هم نقدی است بر ابهام موجود در دستگاه دیپلماسی و هم تلاشی برای باز کردن باب گفت‌وگویی جدید درباره «نقشه راه سیاست خارجی ایران» در شرایطی که نه برجامی وجود دارد و نه اجماع داخلی درباره مسیر جایگزین آن. این نشست، اگرچه عنوانی پژوهشی داشت اما در عمل پیامی سیاسی ارسال کرد که ایران نمی‌تواند در جهانی که قدرت‌های نوظهور در حال بازتعریف مناسبات‌اند با زبان و استراتژی دهه گذشته پیش برود.

می‌توان گفت، سخنان سنایی نه صرفاً تأملی نظری بلکه درخواستی جدی از سوی بخشی از دولت و حامیان رئیس‌جمهوری برای بازنگری در سیاست خارجی ایران است. درخواستی که اگر جدی گرفته نشود، ممکن است همچنان فرصت‌های تازه را از دست بدهیم.

ادامه در صفحه ۳



پیوند با ایران باستان

جشن مهرگان و روز داریوش کبیر فرصتی است که می‌توان از آن برای بازشناسی و احیای ریشه‌های ایرانی در راستای همبستگی ملی بهره گرفت



۷ کوچه

یادداشت روز

سهم‌زن از زندگی چیست؟

نگاهی به طرح تغییرات قانون مهریه در مجلس؛ آیا برای اولین بار در طول تاریخ فقه و حقوق مبنای مهریه به عندالاستطاعه تغییر می‌کند؟



مریم باقی

حقوقدان و روزنامه‌نگار

در میان خیل مشکلات کشور، باز هم برخی یادشان آمده که دست به کار محدودیت‌های جدید حقوقی برای زنان شونود و این بار؛ مهریه. البته قبلاً هم تغییراتی در قانون آن ایجاد شده بود اما گویا مردان مجلسی که قرار است، نماینده آحاد ملت از زن و مرد باشند را راضی نکرده است.

اگر اصلاحات در جهت برقراری عدالت باشد باید گردن گذاشت اما اگر منجر به تخریب حقی از حق‌های محدود و معدود زنان باشد چه؟! متأسفانه به نظر می‌رسد همان‌طور که پیش‌تر با تفکر غلط‌شان روسری را به یکی از بزرگ‌ترین معضل و بحران‌های کشور تبدیل کردند هر بار به سراغ موضوع تحریک‌کننده جدیدی می‌روند. موضوع مهریه و بی‌پشتوانه کردن زنان، مسأله‌ای به مراتب مهم‌تر و حساس‌تر از روسری است چون مسأله همه زنان مذهبی و غیرمذهبی است.

لازم به ذکر است هنوز متن طرح اصلاحیه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و مهریه منتشر نشده اما به برخی از مفاد آن اشاره شده است. بر اساس همین موارد اشاره شده، قابل دریافت است که در بر همان پاشنه محدودیت‌های بیشتر برای زنان می‌چرخد.

ازدواج یک مسأله دو طرفه است و شرط صحت عقد ازدواج هم بلوغ و عقد طرفین است. وقتی دو انسان عاقل و بالغ توافق قانونی می‌بندند، نمی‌توان بعد از این توافق مشروع و قانونی یک نیروی قهریه حکومتی وارد شود و قرارداد مشروع را بر هم بزند که در این صورت به هیچ قراردادی نمی‌توان اعتماد کرد.

این نص صریح قرآن است که می‌فرماید: وَلَا يَجِلُّ لَكُمُ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا (برخی ۲۲۹): آنچه از مهر و غیرمهر به زن داده‌اید، حلال نیست چیزی از آن را از وی بگیرید. اکنون چه شده است که نمایندگان به جنگ محکم‌ترین نصوص قرآنی می‌روند؟!

دو سه مورد مهمی که بیان شده را مرور می‌کنیم؛ باید گفت، با مواردی مانند؛ حبس‌زدایی و محدود کردن جلب و بازداشت برای پدهکاران مهریه، کاهش جنبه کیفری و حقوقی کردن آن حتی تقسیط مهریه، حق ثبت و هزینه اضافه برای مهریه مازاد مشکلی نداریم. اما مشکل اصلی آنجا شروع می‌شود که نه فقط ضمانت اجرای حمایت از مهریه به مرور ضعیف می‌شود که سقف آن هم کوتاه‌تر می‌شود.

پیش‌تر در اصلاح قانون برای مهریه، سقف ۱۱۰ سکه تعیین شده بود و بیش از آن مورد حمایت کیفری نبود. اکنون در این طرح اعلام شده است؛ سقف مهریه ۱۴ سکه خواهد بود. گرچه می‌توان بیش از آن هم مهر کرد اما پشتوانه قانونی‌اش برای دریافت ضعیف خواهد بود. پرسش اینجاست که اولاً، چرا قانونگذار در امور و احوال شخصیه باید سقف بگذارد؟

ثانیاً، حاکمیت می‌تواند ترویج و تشویق به تعیین میزان کمتر مهریه نماید اما تعیین سقف قانونی برای آن، محدود کردن حقوق افراد است.

ثالثاً، از لحاظ شرعی هم کف و سقفی تعیین نشده و از باب امر و حکم حکومتی است که چنین تصمیماتی گرفته می‌شود.

ادامه در صفحه ۸

دیدگاه: یادداشت سیاسی

نتیجه معکوس

تفاوت جریان اصلاح‌طلبی
با جریان اصولگرایی رادیکال در چیست؟



عاطفه شمس

گروه سیاسی

یادداشت روز گذشته خبرگزاری فارس با عنوان «تبدیل اصلاح‌طلبی به باشگاه بیانیه‌نویسان رادیکال» همان‌طور که نگارنده متن اذعان داشته در واقع واکنشی است به گزارش روزنامه سازندگی با تیتَر «نه جبهه، نه پارلمان» که به نقد درون‌جریانی اصلاح‌طلبان پرداخته بود. فارس در این یادداشت تلاش کرده از نقدهای اصلاح‌طلبان نسبت به خودشان، نتیجه‌ای معکوس بگیرد و این جریان را به انفعال و رکود متهم کند، در حالی که همین نقدها در واقع نشانه زنده بودن و دغدغه‌مندی یک جریان سیاسی است که برخلاف رقیبش، هنوز توان گفت‌وگو و بازاندیشی دارد. نویسنده یادداشت فارس از «دوری اصلاح‌طلبان از مردم» سخن گفته اما فراموش کرده که این فقط مساله اصلاح‌طلبان نیست. شواهد نشان می‌دهد که امروز جامعه تا حد زیادی از هر دو جریان سیاسی عمده عبور کرده با این تفاوت که شدت فاصله مردم از اصولگرایان به مراتب بیشتر است.

در جریان اصلاحات، دست‌کم نوعی خودآگاهی و تمایل به بازنگری وجود دارد؛ اصلاح‌طلبان درباره ضعف‌های خود سخن می‌گویند، نقد درون‌جریانی را می‌پذیرند و به لزوم بازسازی ارتباط با مردم اشاره می‌کنند، چون مردم برایشان مهم هستند و همان‌طور که سیدحسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران تأکید کرده، معتقدند که «بازسازی و تقویت پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان نه تنها به نفع جریان خودشان بلکه به نفع کل کشور است». پایگاه اجتماعی وسیعی که اصلاح‌طلبان در مقاطع مختلف داشته‌اند، سرمایه‌ای است که خطر از دست رفتنش موجب نگرانی واقعی شده و همین دل‌تنگی برای بازسازی آن اعتماد، نشانه‌ای از زنده بودن و مسئولیت‌پذیری اصلاح‌طلبی است. اما اصولگرایان که هیچ‌گاه از چنین پشتوانه اجتماعی گسترده‌ای برخوردار نبوده‌اند امروز با انباشت نارضایتی عمومی روبه‌رو هستند؛ وضعیتی که نه با بیانیه‌های تبلیغاتی، نه با انتصاب‌های سیاسی و نه با حذف رقیب از طریق نظارت استصوابی درمان نمی‌شود. اکنون پرسش این است که اصولگرایان که سال‌ها قدرت در دستشان بوده و عملکردشان به شکل مستقیم در کاهش اعتماد عمومی نقش داشته اکنون با این حجم بی‌اعتمادی چه خواهند کرد؟ فاصله میان بخشی از جریان اصلاحات با بطن جامعه البته واقعی است اما باید پذیرفت که این فاصله صرفاً محصول خطاهای دورنی نیست؛ نتیجه سال‌ها محدودیت سیاسی، حذف سیستماتیک، نظارت استصوابی همچنین هجمه رسانه‌ای مستمر جریان‌های تندرو است که تلاش کردند، اصلاح‌طلبی را از درون تهی و از بیرون بی‌اعتبار نشان دهند. البته که این تندروی و منکوب کردن دیدگاه‌های متفاوت محدود به رقیب نمی‌شود، همان‌طور که شاهد بودیم حتی برخی اصولگرایان مانند محمدرضا باهنر هم بابت ابراز نظرات خود درباره واقعیت‌های جامعه از جمله مساله حجاب تحت حمله و فشار قرار گرفته‌اند؛ مسائلی که صرفاً بازتاب واقعیت‌های اجتماعی هستند و نه انگیزه سیاسی.

از سوی دیگر نباید فراموش کرد که مردم در برهه‌ای از تاریخ به اصلاح‌طلبان امید داشتند اما به جریان مقابل هیچ‌گاه و همین امید جامعه است که اصلاح‌طلبی را ترغیب به بازیابی و بازسازی کرده؛ جریانی که اگر تندروی‌ها و سنگ‌اندازی‌ها از سوی رقیایش نبود، می‌توانست بار دیگر آن سرمایه عظیم اجتماعی را بازیابد. نشانه‌ای از این بازگشت امید را در انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری هم می‌شد دید؛ جایی که با وجود همه محدودیت‌ها، بخشی از بدنه اجتماعی اصلاح‌طلبان دوباره به صحنه بازگشتند. البته درک این واقعیت برای جریان مقابل دشوار است چون به واقع هیچ‌گاه تجربه محبوبیت واقعی در میان مردم را نداشته‌اند. واقعیت این است که اصلاح‌طلبی برخلاف اصولگرایی، جریانی مردمی است. اگر نقد می‌کند از سر دغدغه است و اگر هشدار می‌دهد برای ترمیم اعتماد عمومی است. اصلاح‌طلبان همواره میان خود و جامعه پیوندی زنده احساس کرده‌اند، پیوندی که حتی در سخت‌ترین دوران نیز به‌طور کامل گسسته نشده است.

در حال حاضر نیز هنوز شعله‌ای از امید متقابل میان مردم و اصلاح‌طلبان روشن است؛ آمیدی که نه بر وعده‌های توخالی بلکه بر تجربه‌ای تاریخی از همراهی و اعتماد استوار است و تا وقتی این امید باقی است، اصلاح‌طلبان هم به رسالت خود عمل می‌کنند و در مسیر بازسازی این اعتماد از هیچ تلاشی فروگذار نخواهند کرد.

دوراهی پارلمان

واکنش دولت به تندروها در مجلس برای استیضاح ۴ وزیر

گروه سیاسی: در حالی که مجلس شورای اسلامی رسماً تقاضای استیضاح چهار وزیر دولت پزشکیان را دریافت کرده، نشانه‌ها حاکی از آن است که دولت تلاش می‌کند با خوشحنداری و تأکید بر منطق کارشناسی از این مرحله پرتش عبور کند. وزرای نیرو، راه و شهرسازی، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و جهاد کشاورزی در فهرست استیضاح قرار گرفته‌اند اما هنوز هیچ‌یک از این پرونده‌ها به مرحله بررسی رسمی در کمیسیون‌های تخصصی نرسیده است.

احمد نادری، عضو هیات‌رئیس‌ه مجلس، روز گذشته در توضیح روند بررسی‌ها اعلام کرد: «در حال حاضر تقاضای استیضاح چهار وزیر به هیات‌رئیس‌ه ارسال شده اما هیچ استیضاحی به کمیسیون‌ها ارجاع نشده است». او با تأکید بر اینکه «اعلام وصول استیضاح زمانی انجام می‌شود که موضوع از کمیسیون تخصصی به هیات‌رئیس‌ه بازگردد»، گفت: «ما هنوز تقاضای استیضاحی به کمیسویی ارسال نکرده‌ایم و در حال بررسی هستیم که آیا چنین ارجاعی انجام شود یا خیر». به این ترتیب از نظر قانونی، هیچ استیضاحی هنوز وارد فاز رسمی نشده و هیات‌رئیس‌ه در حال سنجش ابعاد سیاسی و اجرایی این اقدام است.

این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که فضای عمومی مجلس از نظر برخی ناظران «ملتهب و مطالبه‌گر» توصیف شده است. جبار کوچکی‌نژاد، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در گفت‌وگو با نامه‌نیز با اشاره به وضعیت کنونی گفته است: «وزرای نیرو، کار، جهاد کشاورزی و راه و شهرسازی در فهرست استیضاح قرار دارند. البته شدت و اولویت در میان آنها متفاوت است اما اگر استیضاح حتی ۸ وزیر هم به صحن بیاید، احتمال زیادی وجود دارد که همه رأی بیاورند». کوچکی‌نژاد

تصریح کرده که «این استیضاح‌ها الزاماً سیاسی یا منطقه‌ای نیستند» و تأکید کرده: «همان‌طور که در دولت قبل وزیر اقتصاد را استیضاح کردیم امروز هم ملاک، کارآمدی است نه گرایش سیاسی». با این حال منابع نزدیک به دولت روایت دیگری دارند؛ آنها معتقدند، بخشی از فشارهای اخیر از بیرون مجلس و با اهدافی سیاسی هدایت می‌شود.

نگاه دولت به پشت‌پرده

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در حاشیه جلسه دیروز هیات دولت در پاسخ به سوالاتی در خصوص اعلام وصول استیضاح چهار وزیر در مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه دولت استیضاح را حق قانونی نمایندگان مجلس می‌داند، گفت: «راهبر دکر پزشکیان «وفاق» است، امیدواریم همه ما براساس وظایف خود عمل کنیم و در کار خود، سیاسی‌کاری را داخل نیکیم تا در شرایط خاص کنونی که بیش از ۱۵ سال است با تحریم مواجه هستیم، بتوانیم با همدلی دولت و مجلس شرایط سخت کنونی را پشت سر بگذاریم».

محمدجعفر قانپناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور نیز از نمایندگان مجلس خواست با در نظر گرفتن شرایط فعلی کمک کنند، وزرای دولت وفاق ملی به کار خود ادامه دهند. او گفت: «حتماً نمایندگان می‌دانند وزرا با توجه به شرایط امروز کشور، تلاش‌های خود را برای پیشبرد امور انجام

سیاست

کرسنت؛ زخم ۲۰ ساله

بیژن زنگنه دوباره سعید جلیلی را به مناظره فراخواند

گروه سیاست: در پی توقیف بخشی از اموال شرکت ملی نفت ایران و اوج‌گیری دوباره بحث درباره پرونده برحاشیه «کرسنت»، بیژن نامدارزنگنه، وزیر پیشین نفت، بار دیگر سعید جلیلی را به مناظره تلویزیونی فراخوانده است. او تأکید کرده تنها حاضر است درباره این پرونده با جلیلی مناظره کند و این گفت‌وگو باید به‌صورت زنده از تلویزیون پخش شود؛ اتفاقی که در صورت تحقق، بی‌تردید یکی از جنجالی‌ترین مناظره‌های سال‌های اخیر خواهد بود.

ماجرای کرسنت به ابتدای دهه ۱۳۸۰ بازمی‌گردد؛ زمانی که شرکت ملی نفت ایران، قراردادی ۲۶ ماده‌ای با شرکت اماراتی «کرسنت پترولیوم» امضا کرد. بر اساس مفاد این قرارداد، ایران متعهد شد طی ۲۵ سال روزانه ۳۳۰ میلیون فوت مکعب گاز به امارات صادر کند. اما توافق از همان ابتدا با مخالفت‌هایی روبه‌رو شد، از جمله از سوی سعید جلیلی که بعدها در دولت احمدی‌نژاد به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی نقش پررنگی در بررسی و توقف اجرای آن داشت. جلیلی معتقد بود، قرارداد کرسنت «به ضرر منافع ملی» و «آمیخته با ابهامات حقوقی» است و از مسیر «واسطه‌گری و دلالی» شکل گرفته است. با توقف اجرای قرارداد، شرکت کرسنت به دیوان دآوری بین‌المللی شکایت کرد و ایران با احکام سنگینی روبه‌رو شد. تاکنون

می‌دهند. به همین دلیل از نمایندگان و مجلس درخواست می‌کنیم، کمک کنند وزرای دولت وفاق ملی در شرایط فعلی که تأمین معیشت مردم نیز اهمیت بسیار دارد به کار خود ادامه دهند».

معاون اجرایی رئیس‌جمهوری با ابراز نگرانی نسبت به تأثیر استیضاح وزرا بر تأمین معیشت مردم، تصریح کرد: «با طرح استیضاح وزیر کار نمی‌دانم در زمینه کالابُرج چه اتفاقی رخ دهد و به تأخیر بیفتد یا نه؟ اکنون وزیر بعد از یک سال بر وزارتخانه و کارهایش مسلط‌تر شده است. اگر بخواهند او را عوض کنند و فرد دیگری به مجلس معرفی شود، سه تا چهار ماه زمان می‌برد. وزیر دیگر هم که بیاید تا به کار مسلط شود، زمان خواهد برد. مسائل جز اینکه به ضرر معیشت مردم باشد هیچ کمکی به مردم نخواهد کرد. نمایندگان می‌توانند، وقتی شرایط کشور عادی شد شمشیر استیضاح را بالا ببرند اما شرایط فعلی به گونه‌ای نیست که چهار وزیر کابینه روزها و هفته‌ها درگیر استیضاح باشند». وی افزود: «خواهشی از نمایندگان مجلس دارم و آن این است که به این نکته توجه



کنند که آیا این استیضاح به خاطر عملکرد وزراست و یا به مسائل دیگری مربوط می‌شود؟ آیا خدایی ناکرده به خاطر انتصابات و اینکه فردی در جایی گمارده نشده است، می‌خواهند استیضاح کنند؟» قانپناه به درخواست برخی نمایندگان مجلس برای استیضاح وزیر راه و شهرسازی هم اشاره کرد و گفت: «تنها خانمی که در طول تاریخ جمهوری اسلامی به عنوان وزیر زیرنمایی ما انتخاب شده و شبانه‌روز فعالیت می‌کند را باید استیضاح کنیم؟ آن هم در این شرایط که بنادر و راه‌آهن و سایر مسائل ما به عملکرد این وزارتخانه مربوط می‌شود. جا دارد نمایندگان استیضاح‌کننده برای خدمت به مردم تجدیدنظر کنند و دولت را در شرایطی قرار ندهند که در وضعیت حساس فعلی و جنگ اقتصادی و مشکلات اقتصادی این اتفاق رخ دهد». در واقع، مدیران ارشد دولت معتقدند که باید میان ضعف‌های ساختاری و ناکارآمدی فردی تمایز قائل شد. آنها می‌گویند که در بسیاری از حوزه‌ها، وزارتخانه‌ها با فشارهای بیرونی و محدودیت منابع مواجه‌اند و مقصر جلوه دادن وزرا، رویکردی ساده‌انگارانه است.

تلاقی سیاست و مدیریت

در همین فضا، پوردهقان، نماینده مردم اردکان نیز در گفت‌وگو با اقتصادنیوز تأکید کرده که: «در همه مجلس‌ها طبعی است که از بیرون

فشارهایی برای استیضاح وارد شود. گاهی موضوع اصلاً عملکرد وزیر نیست بلکه تسویه‌حساب‌های سیاسی یا شخصی است». او برای نمونه از وزیر بهداشت یاد کرده و گفته: «آقای ظفرقندی انصافاً وزیر خوبی است اما بعضی می‌گویند چون در فلان موضوع موضع خاصی گرفتی باید استیضاح شوی؛ اینها نگاه‌های سیاسی است نه مدیریتی». پوردهقان همچنین درباره احتمال همراهی هیات‌رئیس‌ه مجلس با این استیضاح‌ها توضیح داده: «طبیعی است وقتی هیات‌رئیس‌ه تأکید نمایندگان را می‌بیند، جلو می‌رود؛ اما اگر احساس کند، نارضایتی‌ها سیاسی یا منطقه‌ای است، استیضاح را دچار فرسایش زمانی می‌کند تا اتفاق نیفتد. البته کلیت هیات‌رئیس‌ه با برخی از موضوعات همراهی دارد». این سخنان ضمن تأیید وجود فشارهای سیاسی بیرونی در عین حال نشان می‌دهد که بخشی از مجلس نیز مایل است با مدیریت زمان و فضا از برخورد مستقیم و سریع با دولت پرهیز کند.

به نظر می‌رسد دولت نیز ترجیح می‌دهد تا زمان تصمیم نهایی هیات‌رئیس‌ه مجلس، موضع رسمی نگیرد. با این حال گفته می‌شود، وزارتخانه‌های درگیر استیضاح مشغول آماده‌سازی گزارش‌های تفصیلی از عملکرد خود هستند تا در صورت ورود موضوع به کمیسیون‌ها، پاسخ مستند و غیرسیاسی ارائه دهند. از سوی دیگر، دولت نگران است که گسترش فضای استیضاح در ماه‌های منتهی به بودجه ۱۴۰۵ هماهنگی تیم اقتصادی را مختل کند. کوچکی‌نژاد نیز در همین زمینه معتقد است: «به نظر می‌رسد این چهار استیضاح به بعد از تصویب لایحه بودجه و انتهای سال موکول شود». او البته هشدار داده که هر استیضاحی، حتی اگر به نتیجه نرسد، تبعات سیاسی و اداری خود را خواهد داشت.

با وجود تأکید دولت بر آرامش و همکاری برخی تحلیلگران معتقدند، استیضاح‌های زودهنگام می‌تواند به تضعیف انسجام اجرایی دولت نوپای پزشکیان منجر شود. آنها یادآوری می‌کنند که در ماه‌های نخست استقرار هر دولت، تمرکز بر اصلاح ساختارها و تثبیت تیم مدیریتی اهمیت بیشتری دارد تا جابه‌جایی‌های پرهزینه. در مقابل، گروهی دیگر بر این باورند که مجلس با استفاده از ابراز نظارتی خود می‌خواهد «حساسیت نسبت به کارآمدی» را در دولت بالا نگه دارد و معتقدند که بهتر است پیش از آنکه مجلس به استیضاح وزرا اقدام کند پزشکیان، خود دست به ترمیم کابینه بزند. به هر حال آنچه از اظهارات نمایندگان و منابع دولتی برمی‌آید این است که استیضاح چهار وزیر فعلاً در مرحله مقدماتی قرار دارد. دولت از تشدید درگیری پرهیز می‌کند و مجلس نیز هنوز تصمیم قطعی برای ورود رسمی به فرآیند استیضاح نکرفته است. در عین حال فشارهای سیاسی و اقتصادی، سایه خود را بر روابط دو قوه گسترانده است. به نظر می‌رسد، دولت پزشکیان در تلاش است با رویکردی آرام و حساب شده ضمن حفظ تعامل با مجلس، این بحران را به فرصتی برای شفاف‌سازی و پاسخگویی تبدیل کند. اما اگر روند فعلی به سوی رقابت‌های جناحی یا تسویه‌حساب‌های سیاسی برود، نه‌تنها فضای همکاری از میان می‌رود بلکه کارآمدی دولت و اعتماد عمومی نیز در معرض آسیب قرار خواهد گرفت.

تحلیلگران معتقدند چنین مناظره‌ای می‌تواند، فرصتی برای شفاف‌سازی افکار عمومی باشد اما گروهی دیگر تأکید دارند که پیچیدگی حقوقی و بین‌المللی این پرونده ایجاب می‌کند، کمیسیون حقیقت‌یابی مستقلی برای بررسی همه ابعاد آن تشکیل شود. حقوقدانان نیز پرسیده‌اند که چرا طی بیش از دو دهه این پرونده در قوه قضائیه مسیر روشنی نکرفته است و هنوز ماهیت بسیاری از اتهامات و حکم‌ها برای عموم معلوم نیست! در نهایت، چه مناظره‌ای برگزار شود و چه نشود، آنچه افکار عمومی انتظار دارد، پاسخ به این پرسش ساده است که چه کسانی تصمیم گرفتند، چه کسانی مانع شدند و خسارت میلیاردری امروز چگونه رقم خورد. در همین رابطه روز گذشته، مجید انصاری، معاون حقوقی رئیس‌جمهوری نیز در حاشیه جلسه هیئت دولت با اشاره به شرایط خاص زمان شکل‌گیری پرونده کرسنت گفت این پرونده اگرچه قابل پیشگیری بود، اما بدلیل پیچیدگی حقوقی و بین‌المللی، روندی طولانی دارد و حتی مراحل «کرسنت ۲ و ۳» نیز در جریان است. او تأکید کرد مرکز حقوق بین‌الملل ریاست‌جمهوری و وزارت نفت همچنان در حال پیگیری موضوع برای استیفای حقوق ملت ایران هستند و ابراز تأسف کرد که در زمان انعقاد قرارداد وقت کافی به‌عمل نیامده است. وی همچنین درباره شایعات مربوط به مصادره اموال بابک زنجانی در مالزی به نفع ایران گفت این ادعاها فاقد مبنا و سند هستند و رسانه‌ها باید از انتشار چنین اخبار تأییدشده‌ای پرهیز کنند، زیرا ممکن است این اخبار مورد استناد علیه ایران یا مورد ادعای افرادی قرار می‌گیرد که همچنان پرونده محکومیت دارند.

نبرد روایت‌ها

عراقچی ادعای روزنامه الجریده کویت را تکذیب کرد

گروه بین‌الملل: در شرایطی که منطقه خاورمیانه تحت تأثیر

جنگ غزه و تحولات هسته‌ای ایران دچار التهاب شدید شده، روزنامه کویتی «الجریده» با انتشار گزارشی جنجالی، مدعی تماس مستقیم میان مقام‌های تهران و واشنگتن شد. این رسانه که سابقه انتشار اخبار تأیید نشده درباره ایران را دارد، این بار ادعا کرد «استیو ویتکاف» مذاکره‌کننده ارشد آمریکایی طی تماس تلفنی از «سیدعباس عراقچی» وزیر امور خارجه ایران خواسته است از طرح رئیس‌جمهور آمریکا برای پایان دادن به جنگ غزه حمایت کند. این ادعا، مانند موارد پیشین، با واکنش سریع و رسمی تهران مواجه شد. عراقچی در حاشیه جلسه هیأت دولت در روز چهارشنبه ۱۶ مهر در پاسخ به خبرنگاران، این خبر را تکذیب کرد و گفت: «چنین تماسی برقرار نشده است.» با وجود این تکذیب، گزارش الجریده در مدت کوتاهی در برخی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بازتاب یافت و بار دیگر ضعف برخی منابع داخلی در بررسی صحت اخبار و اعتبار منابع را آشکار کرد؛ موضوعی که بارها از سوی وزارت خارجه مورد انتقاد قرار گرفته است.

در ادامه، عراقچی در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) به سخنان اخیر دونالد ترامپ درباره برنامه هسته‌ای ایران

واکنش نشان داد. او با اشاره به مذاکرات گذشته با ویتکاف نوشت: «وقتی برای پنجمین دور گفت‌وگوها در دوم خرداد با آقای ویتکاف مذاکره کردم، گفتم: سلاح هسته‌ای صفر = توافق داریم. غنی‌سازی صفر = توافقی در کار نیست.» وی تأکید کرد که صورت‌جلسات رسمی مذاکرات که توسط واسطه‌ها ضبط شده‌اند، نشان می‌دهند دو طرف تا چه اندازه به توافقی تاریخی نزدیک بوده‌اند.

عراقچی با یادآوری تجربه تلخ جنگ عراق هشدار داد که آمریکا نباید بار دیگر فریب اطلاعات جعلی را بخورد. او گفت: «هیچ اطلاعاتی مبنی بر وجود سلاح‌های کشتار جمعی در عراق وجود نداشت اما نتیجه آن هزاران کشته و هدررفت ۷ تریلیون دلار بود». وی افزود که امروز نیز هیچ مدرک معتبری درباره تلاش ایران برای ساخت سلاح هسته‌ای وجود ندارد و ادعاهای اسرائیل در این زمینه «فریب و دروغی تکراری» است.

وزیر خارجه هشدار داد که تل‌آویو در تلاش است با القای «تهدید خیالی»، آمریکا را به رویارویی جدیدی با ایران بکشاند، در حالی که افکار عمومی آمریکا دیگر تمایلی به جنگ برای منافع اسرائیل ندارد. او تأکید کرد: «ایران کشوری

بزرگ با ملتی بزرگ است. ممکن است ساختمان‌ها و تجهیزات ویران شوند اما اراده ملت ایران هرگز شکسته نخواهد شد. هیچ راهی جز رسیدن به یک راه‌حل مذاکره شده، وجود ندارد». در همین حال دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در مراسم سالروز تأسیس نیروی دریایی در ویرجینیا، مدعی شد که ارتش آمریکا در عملیاتی گسترده، تأسیسات هسته‌ای ایران را هدف قرار داده است. او گفت که در این حمله از بمب‌افکن‌های بی-۲ و شلیک ۳۰ موشک تاماهاک از زیردریایی استفاده شده و تمامی اهداف از پیش تعیین‌شده «با دقت» منهدم شده‌اند. ترامپ با لحنی خودستایانه افزود که اگر ایسن حمله انجام نمی‌شد، ایران ظرف یک ماه به سلاح هسته‌ای دست می‌یافت. او تهدید کرد که در صورت از سرگیری برنامه هسته‌ای از سوی تهران، «آمریکا بدون تأخیر پاسخ خواهد داد».

ادامه تیتریک

برنامه آینده چیست؟

در آغاز نشست، دکتر مهدی سنایی پس از اشاره به نشست‌های پیشین در موسسه اظهار کرد که موضوع نظم جهانی یکی از مباحث مهم و روز جهان معاصر است و دیدگاه‌های متنوعی در این زمینه در مناطق مختلف از جمله در ایالات متحده و غرب، چین، روسیه، کشورهای عربی همچنین در ایران مطرح است. وی افزود: «پرسش اصلی این است که نظم آینده بین‌المللی چه ویژگی‌هایی خواهد داشت و کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران چه جایگاهی در آن خواهند داشت».

سنایی یادآور شد که در نشست‌های پیشین، موضوعاتی چون تحولات خاورمیانه، جنگ غزه و پیش از آن بحران اوکراین بررسی شده است؛ رویدادهایی که به تعبیر او به‌منزله کاتالیزورهایی در تغییر ساختار نظم بین‌الملل عمل کرده‌اند. او تأکید کرد که مساله «ایران پس‌ابرجام» و تحولات پس از اجرای مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌ها، پرسشی جدی برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است؛ پرسشی درباره چگونگی تغییر مناسبات کشور با نظام بین‌الملل و نوع نگاه ایران به نظم آینده جهانی.

به گفته مشاور سیاسی رئیس‌جمهور، برجام بدون تردید یکی از پیوندهای مهم ایران با ساختارهای نظام بین‌الملل از جمله سازمان ملل و شورای امنیت بود زیرا در قالب آن، بخشی از تهدیدها رفع و بسیاری از تحریم‌ها لغو شده بود. از این‌رو، پرسش از «وضعیت ایران پس از برجام» یکی از مباحث اساسی در حوزه سیاست نظری و عملی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.

سنایی افزود: «در سطح نظری، این پرسش مطرح است که رویکرد جمهوری اسلامی ایران نسبت به نظام بین‌الملل چگونه است؟ آیا رویکردی محافظه‌کارانه دارد یا انقلابی؟» او تصریح کرد که هر دو رویکرد در قانون اساسی ایران قابل مشاهده است؛ از یک سو تأکید بر حمایت از ملت‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش و از سوی دیگر به رسمیت شناختن دولت‌ها و اصول حاکمیت ملی. به اعتقاد وی، برجام به‌نوعی نماد تأکید بر رویکرد دوم یعنی پذیرش ساختارهای بین‌المللی بود هرچند ایران همچنان در زمره کشورهایی است که خواهان اصلاح و بازنگری در ساختار و حقوق بین‌الملل هستند. سنایی در ادامه گفت: «اکنون پس از گذشت یک دهه از آغاز برجام باید دید که نگاه جمهوری اسلامی ایران چه تغییری کرده است؛ آیا رویکرد دولت-ملت‌محور تقویت شده یا برعکس، رویکرد انقلابی پررنگ‌تر شده است؟ این پرسش در چارچوب سیاست نظری اهمیت دارد». او در بخش دیگری از سخنانش به جنبه

عملی سیاست خارجی ایران اشاره کرد و گفت: «در عرصه سیاست عملی این پرسش در ذهن بسیاری از مردم و نخبگان وجود دارد که «برنامه کشور برای آینده چیست؟ آیا احتمال یک توافق فرآگیرتر وجود دارد یا کشور بر سیاست مقاومت تأکید خواهد کرد؟» به گفته سنایی، ایران طی سال‌های گذشته، رویکردی میانه در پیش گرفته است؛ از یک سو بر اصول خود ایستاده و از سوی دیگر تلاش کرده از مسیر گفت‌وگو عبور کند. او با اشاره به شرایط جدید پس از اجرای مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌ها گفت: «پرسش دیگر این است که آیا گفت‌وگوهای جدیدی میان ایران و قدرت‌های جهانی شکل خواهد گرفت و نقش اروپا در آن چه خواهد بود؟» وی خاطر‌نشان کرد که در فضای کنونی جهان، گفت‌وگوها عمدتاً به سطح روابط دوجانبه با آمریکا محدود شده و حتی بسیاری از کشورها تأکید دارند که تنها با رئیس‌جمهور ایالات متحده می‌توان مذاکره کرد. از این‌رو، این پرسش مطرح است که آیا ایران تا پایان دولت کنونی آمریکا منتظر خواهد ماند یا شکل جدیدی از گفت‌وگو را در پیش خواهد گرفت؟ سنایی با اشاره به مساله فلسطین و گسترش ایده «دو دولت» در پی جنایات اسرائیل در سال‌های اخیر گفت: «موضع ایران در این زمینه نیز با پرسش‌هایی مواجه است؛ زیرا از یک سو به‌طور رسمی اعلام کرده که هدفش نابودی اسرائیل نیست اما از سوی دیگر از طرح دو دولتی حمایت نمی‌کند». او افزود: «بنابراین در موضوعات کلان بین‌المللی همچنان این پرسش باقی است که موضع آینده ایران چه خواهد بود».



موشک مهم است اما مردم مهم‌تر

محمدجواد ظریف نیز در ادامه نشست با تأکید بر اینکه «موشک مهم است اما مردم مهم‌تر»، گفت که باید عامل عمده قدرت را حفظ کنیم و اولویت‌ها را چنین قرار داد: تأمین اقتصادی مردم از طریق مقابله با رانت و فساد، تقویت بنیه نظامی و گسترش روابط با کشورهای منطقه همراه با گفت‌وگو. اما گفت‌وگو وقتی موثر است که اهرم قدرت داشته باشیم. او با طرح این پرسش که دیگر «قطب» یا هژمون جدیدی شکل نگرفته، جهان پساقطبی است و انتظار حمایت قطبی از حاشیه بی‌مورد است؛ رفتار امروز آمریکا را «قلدری» خواند نه هژمونی مطلق و گفت: افول آمریکا نسبی است و هیچ کشوری، جای آن را پر نخواهد کرد. چون جهان قطبی نیست نباید منتظر کمک خارجی در جنگ‌ها باشیم». ظریف در مورد رابطه ایران، آمریکا و اسرائیل گفت که اهداف‌شان ممکن است همسو باشند اما یکسان نیست؛ آمریکا نه خواهان فروپاشی ایران است و نه گسترش جنگ منطقه‌ای. او تحول سریع ناشی از بحران غزه را عامل تغییر جهت سیاست‌های عربی دانست و گفت امروز اعراب کمتر دنبال تضعیف ایران‌اند چون ایران می‌تواند، توازن منطقه‌ای در برابر اسرائیل برقرار کند. وی در پایان یادآور شد قبلاً اجازه مذاکره غیرهسته‌ای نداشته اما اکنون معتقد است، حل صرف موضوع هسته‌ای کافی نیست و لازم است درباره موضوعات دیگر هم با طراحي و گرفتن امتیاز وارد مذاکره شد نه با دادن امتیاز مجانی.



وی همچنین با افتخار از دیدار خود با خلبانان بمب‌افکن‌های بی-۲ در کاخ سفید یاد کرد و گفت این خلبانان «۲۲ سال آموزش دیده بودند تا توان هسته‌ای ایران را نابود کنند» و تنها در دوره او این مأموریت به سرانجام رسیده است. با وجود ادعاهای ترامپ درباره حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، تحلیلگران معتقدند که این سخنان بیشتر جنبه تبلیغاتی و نمادین دارد و هدف آن نمایش قدرت نظامی آمریکاست. در مقابل، واکنش مستند و صریح تهران نشان می‌دهد که ایران تحت فشار ادعاهای رسانه‌ای یا سیاسی، مسیر راهبردی خود را تغییر نخواهد داد و همچنان بر مذاکره و دیپلماسی تأکید دارد. این رویکرد، نشانه‌ای از پایداری ایران به امنیت ملی، قوانین بین‌المللی و ضرورت حل اختلافات از طریق گفت‌وگو است، نه تهدید و تنش‌آفرینی.

آمریکا

پیامدهای تعطیلی دولت آمریکا

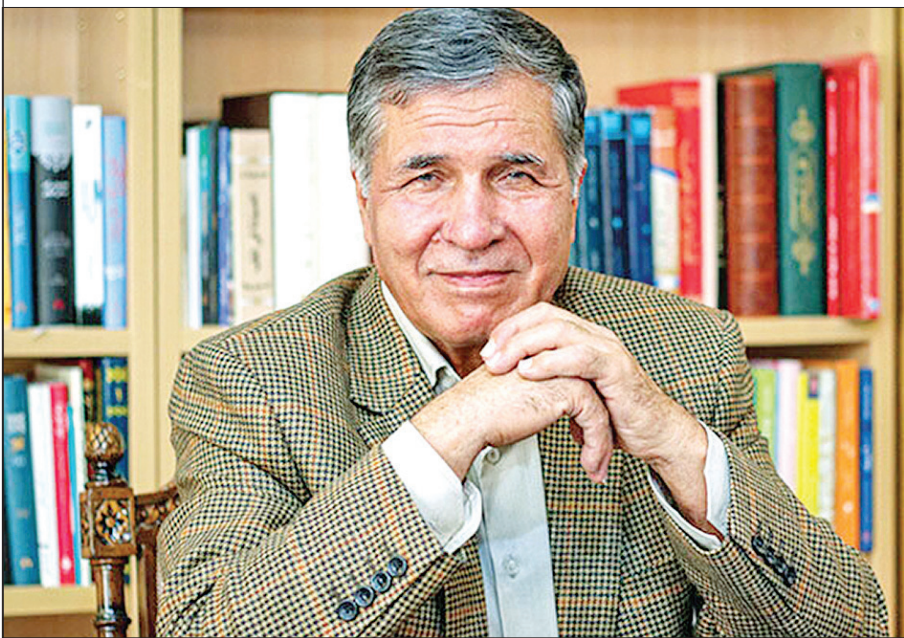
وقتی بودجه در کنگره قفل می‌شود!

انديشكده بروكينگز در گزارشی نوشت: با پایان سال مالی در ۳۰ سپتامبر و ناتوانی کنگره در تصویب بودجه جدید، دولت ایالات متحده برای نخستین بار از سال ۲۰۱۹ تعطیل شد. مجلس نمایندگان، لایحه‌ای موقت برای تأمین بودجه تا ۲۱ نوامبر تصویب کرده اما این طرح برای اجرایی شدن در سنا نیازمند ۶۰ رأی است. دموکرات‌ها اعلام کرده‌اند تا زمانی که جمهوری‌خواهان با تمدید یارانه‌های بیمه درمانی (Affordable Care Act) موافقت نکنند از این لایحه حمایت نخواهند کرد. بر اساس «قانون منع هزینه‌های بدون مجوز» مصوب ۱۸۸۴ نهادهای فدرال بدون تصویب بودجه توسط کنگره اجازه خرج‌کرد ندارند. بنابراین با عدم تصویب ۱۲ لایحه بودجه سالانه، تمامی فعالیت‌های غیرضروری دولت متوقف می‌شود. تنها خدمات حیاتی مانند کنترل ترافیک هوایی، امنیت داخلی و اجرای قانون ادامه می‌یابد اما پرداخت حقوق کارکنان تا پایان تعطیلی به تعویق خواهد افتاد. حدود ۲۵ درصد از کل بودجه فدرال تحت تأثیر این تعطیلی قرار گرفته است. مزایایی مانند تأمین اجتماعی و بیمه درمانی به دلیل داشتن مجوز دائمی همچنان برقرارند اما خدمات عمومی با اختلال مواجه می‌شوند؛ از جمله تأخیر در صدور گذرنامه و وام‌ها، تعطیلی پارک‌های ملی و کاهش بازرسی‌های غذایی. هر وزارتخانه برنامه اضطراری خاص خود را دارد. وزارت بهداشت اعلام کرده که بیش از نیمی از کارکنانش در محل کار باقی خواهند ماند، در حالی که وزارت کار تنها ۳ هزار نفر از مجموع ۱۳ هزار کارمند خود را حفظ می‌کند. وزارت دفاع نیز اعلام کرده که ۴۰۶ هزار نفر از کارکنان غیرنظامی‌اش به کار ادامه خواهند داد. بسا این حال در صورت طولانی شدن تعطیلی، پرداخت حقوق نیروهای نظامی نیز ممکن است با تأخیر مواجه شود. طبق گزارش مؤسسه گلدن ساکس، هر هفته تعطیلی می‌تواند ۰٫۱۵ واحد درصد از رشد تولید ناخالص داخلی آمریکا بکاهد. همچنین دفتر بودجه کنگره اعلام کرده که تعطیلی ۵ هفته‌ای سال ۲۰۱۹ موجب کاهش ۰٫۲ درصدی رشد اقتصادی شد. اختلافات سیاسی میان دو حزب بر سر بودجه، بار دیگر شکنندگی ساختار تصمیم‌گیری ملی در واشنگتن را نمایان کرده است. بحرانی که هرچند موقتی باشد اما اعتماد عمومی به کارآمدی دولت فدرال را خدشه‌دار می‌کند.



شاهنامه منشوری از اندیشه

روایت **محمدجعفر یاحقی** از نقش زبان فارسی در حذف هویت ایرانی



پاس‌داشت زبان فارسی، پاس‌داشت ایران است؛ مسئولیت جمعی که بر عهدهٔ همه قرار دارد، از استادان و دانشجویان تا شاعران و خبرنگاران. این زبان حلقهٔ اتصال تاریخ و آینده‌ماست و نگاهیانی از آن، حفظ ریشه‌های یک تمدن چند هزار ساله محسوب می‌شود.

محمدجعفر یاحقی، پژوهش‌گر و نویسندهٔ ایرانی، استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه فردوسی مشهد، عضو پیوستهٔ شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی و مدیر قطب علمی فردوسی‌شناسی و ادبیات خراسان در دانشگاه فردوسی مشهد در گفت‌وگو با مهر از جایگاه زبان فارسی، نقش شاهنامه در احیای هویت ملی، چالش‌های پیش‌روی این زبان و ضرورت پاسداشت این میراث فرهنگی سخن می‌گوید. یاحقی با اشاره به این‌که زبان فارسی یکی از شاخصه‌های برجسته و شناخته شده ایران است، می‌گوید: «اگر بخواهیم یک شاخصهٔ برجسته و شناخته شده برای ایران داشته باشیم، آن ادبیات فارسی است. اصالت این ادبیات زبان‌زد بوده و معرف فرهنگ و تمدن ایرانیان است. لازم است بیش از پیش به اهمیت این میراث بیندیشیم و آن را پاس بداریم. زبان فارسی حافظ هویت ملی و پیوند ملت‌های فارسی‌زبان است. ایران را نمی‌توان فقط با مرز حفظ کرد بلکه باید با فرهنگ حفظ شود. زبان فارسی به‌عنوان زبان مشترک، پیونددهندهٔ ملت‌های فارسی‌زبان و حافظ هویت ملی‌ماست. زبان فارسی، بستر خبری و هویتی‌ماست. خبرنگاران باید قدر این زبان و کار اطلاع‌رسانی را بدانند چون آنچه منتشر می‌کنند، بستر پیوندهای اجتماعی و ملی را تقویت می‌کند که کاری مقدس و محترم است.»

این استاد ادبیات فارسی به پیوند دیرپای زبان فارسی با فرهنگ اسلامی اشاره می‌کند و می‌گوید: «ادبیات فارسی شأنی مقدس دارد زیرا پس از قرآن بیشترین نقش را در تبیین و ترویج معارف اسلامی ایفا کرده است. زبان فارسی نماد دیرپای همبستگی بوده و پس از ورود اسلام به ایران بیش از ۱۲۰۰ سال بستر وحدت فرهنگی ما بوده است. زبان فارسی کالبد زبانی فراهم کرده که نه تنها وحدت ایران و اسلام بلکه تقرب مذاهب اسلامی به ویژه تشیع و تسنن را تسهیل کرده است.»

شاهنامه دایره‌المعارفی از زندگی ایرانیان

یاحقی سپس به جایگاه شاهنامه می‌پردازد و می‌گوید: «شاهنامه یکی از متون بنیان‌گذار فرهنگ ایرانی است که پیام اصلی‌اش ترویج خرد، دانش و آزادی است. فردوسی در آغاز شاهنامه، خداوند را با نام «خرد» مخاطب قرار می‌دهد که اهمیت خرد در جهان‌بینی او را نشان می‌دهد. فردوسی تنها یک شاعر نیست؛ او با شاهنامه هویت ایرانی را احیا کرده است. هیچ شاعری به اندازهٔ فردوسی واژه ایران را به کار نبرده است؛ بیش از ۱۱۰۰ بار در شاهنامه از واژه‌هایی چون ایران، ایرانی و ایرانیان استفاده شده است. شاهنامه دایره‌المعارفی از زندگی ایرانیان، آداب، پوشاک، خوراک، آیین‌ها، باورها و مناسبات اجتماعی است. ما فردوسی را به خاطر ادبیاتش و به خاطر پاسداشت فرهنگ

گنج افشار

انتشار عکس‌ها و اسناد **ایرج افشار** توسط کتاب‌خانهٔ مرکزی دانشگاه تهران و روایت اکمل‌الدین احسان اغلو از فعالیت‌های بین‌المللی او

می‌پردازد، این کتاب به کوشش بهرام کوشیار و آرش افشار از سوی نشر سخن به چاپ رسیده است.

کتاب‌های اهدایی دکتر مصدق

عکسی هم از فهرست کتاب‌های اهدایی دکتر محمد مصدق در این کانال منتشر شده و در شرح آن آمده است: «فهرست کتاب‌های اهدایی دکتر مصدق به کتاب‌خانهٔ دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی است که بخش اصلی آن، یعنی اهدایی خود دکتر مصدق ۱۰۲۸ عنوان است. ۲۲ عنوان هم کتاب‌هایی است که در سال ۱۳۳۰ در سفر مصر به او اهدا شده و به کتاب‌خانهٔ دانشکدهٔ حقوق داده است. همچنین ۲۲ عنوان دیگر هم بعد از آن از دفتر نخست‌وزیری وی به دانشکدهٔ حقوق داده شده است.

افشار به روایت اکمل‌الدین احسان اغلو

عکسی از رسول جعفریان و زندیاد استاد ایرج افشار و اکمل‌الدین احسان اغلو نیز در کانال تلگرامی کتاب‌خانهٔ مرکزی دانشگاه تهران قرار گرفته و در شرح آن آمده است: «ایرج افشار آن‌گونه که من دیدم / اکمل‌الدین احسان اغلو» این عنوان در واقع تیتَر مقاله‌ای از اکمل‌الدین احسان اغلو، مدیر سابق سازمان همکاری‌های اسلامی و مدیر تشکیلات ارسیکاست که دربارهٔ مرحوم ایرج افشار نوشته بوده است. رسول جعفریان در وبگاه خود ترجمه این مقاله را گذاشته و ذکر کرده، آن را در روزهای خانه‌نشینی به خاطر همه‌گیری کرونا ترجمه کرده است. اکمل‌الدین احسان اغلو و ایرج افشار دو دهه در موسسهٔ الفرقان در لندن با یکدیگر همکاری می‌کردند. در بخش‌هایی از مقالهٔ اکمل‌الدین احسان اغلو آمده: «ایرج افشار طی تمامی سال‌های زندگی سودمند خویش، بدون توقف، در جهت شناساندن و توسعهٔ تحقیقات ایرانی تلاش کرد... او روابط بسیار گسترده با همه دانشمندانی داشت که در زمینهٔ تحقیقات ایرانی در نقاط مختلف عالم فعالیت داشتند... در دوره‌ای که من مدیرکل مرکز تحقیقات تاریخی، هنر و فرهنگ اسلامی (ارسیکا) بودم، شاخه‌ای از سازمان همکاری‌های اسلامی در کنار پروفیسور افشار، عضو هیأت علمی موسسه الفرقان نیز بودم و به دلیل همین ارتباط کاری بود که

دیروز (۱۶ مهر) صدمین سال تولد زندیاد ایرج افشار بود. ایرج افشار در دههٔ ۱۳۲۰ برای تحصیل در رشتهٔ حقوق به دانشگاه تهران وارد شد. او صاحب ثروت بسیار کلانی بود و آن را در راه کسب علم و دانش‌اندوزی صرف کرد. بخش بزرگی از ثروت خانوادهٔ افشار امروزه وقف پژوهش‌های ایران‌شناسی، باستان‌شناسی و تدریس زبان فارسی به غیرایرانیان است. افشار در طول زندگی پربار خود نزدیک به ۳۰۰۰ مقاله و ۳۰۰ جلد کتاب به انتشار رساند. بسیاری از خاطرات معاصران سیاسی و فرهنگی ایران به همت و کوشش او به چاپ رسید. او از بنیان‌گذاران کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و نخستین رئیس این مجموعه عظیم فرهنگی بود. با وجود این‌که مدرک تحصیلی‌اش کارشناسی بود اما همواره در دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران و دانشسرای عالی به تدریس در رشتهٔ کتابداری و ایران‌شناسی می‌پرداخت. هم‌چنین سابقهٔ تدریس در دانشگاه‌های سوئیس و ژاپن نیز در کارنامهٔ افشار ثبت شده است. کتاب‌خانهٔ مرکزی دانشگاه تهران چند روز قبل از صدمین سال‌روز تولد زندیاد ایرج افشار، عکس‌ها و اسناد باقیمانده از او در آرشیو این کتابخانه را در کانال تلگرامی خود منتشر کرد.

اتوبیوگرافی افشار

کانال تلگرامی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ابتدا به کتاب «این دفتر بی‌معنی» اشاره کرده و در شرح آن نوشته: «استاد ایرج افشار در بخش آغازین کتاب «این دفتر بی‌معنی» به قلم خویش و با زبانی ساده و صمیمی، نوشته‌های کوتاه دربارهٔ زندگی و خانواده‌اش آورده است؛ خواندن این سطور خودنوشت، خالی از لطف نیست و لذتی از جنس صمیمیت و صداقت به همراه دارد.» کتاب «این دفتر بی‌معنی» به قلم خود ایرج افشار در ۱۶ فصل به موضوعاتی همچون «خانه و خانواده»، «از کودکستان تا دانشگاه»، «روزگار جوانی»، «سفر»، «کتابخانه و کتابداری»، «مجله‌گردانی (آینده به آینده)»، «اوراق کتانه»، «ایران‌شناسی و زبان فارسی»، «دانشگاه تهران»، «نشر کتاب»، «انجمن‌ها»، «عضویت‌ها»، «کنگردها»، «مردان فرهنگ»، «پیشامدها»، «سیاست»، «یادداشت‌های روزانه» و نمایه‌ها

تلویزیون

مخاطب زیر ۱۰ درصد

نظرسنجی‌ها نشان از افت شدید تماشاگر سریال‌های تلویزیون دارد

چند عامل کلیدی است؛ نکته‌ای که می‌توان در بسیاری از برنامه‌های تلویزیونی صدا و سیما هم آنها را مشاهده کرد. ضعف روایت و داستان‌گویی حتی در حضور بازیگران مطرح یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش مخاطب است. علاوه بر این، اشباع ژانرهای تکراری مانند طنز و مولودرام بدون نوآوری، توانایی جذب مخاطب جدید را کاهش داده و مخاطبان قدیمی را نیز دچار خستگی کرده است.

این عوامل نشان می‌دهند که موفقیت سریال‌ها بیش از سرمایه یا حضور ستاره‌ها، به کیفیت محتوا، نوآوری در روایت و مدیریت حرفه‌ای تولید و پخش وابسته است. در شرایطی که ذائقه مخاطبان به سرعت در

صدا و سیمای ایران در دوره مدیریت پیمان جبلی در جذب مخاطب با چالش جدی مواجه است و آمار جدید منتشر شده، این روند را به وضوح نشان می‌دهد. بررسی ۵ سریال اخیر تلویزیونی که هر کدام کمتر از ۱۰ درصد مخاطب داشته‌اند، گویای افت ملموس محبوبیت شبکه‌های تلویزیونی است. مرکز رشد امام صادق (ع) آمار تازه‌ای از سریال‌های تلویزیونی امسال منتشر کرده که نشان از کاهش شدید تماشاگر مجموعه‌های تلویزیونی دارد. سریال‌هایی که بودجه زیادی هم صرف ساخت آنها می‌شود اما نه تنها نمی‌توانند تماشاگران را راضی کنند بلکه هیچ آورده و امتیازی هم برای این سازمان به دنبال ندارند. نتایج این نظرسنجی نشان از فاجعه‌ای دارد که در شبکه‌های مختلف رخ می‌دهد. نظرسنجی این مرکز درباره ۵ سریال تلویزیونی نشان می‌دهد که تماشاگر این سریال‌ها حتی به ۱۰ درصد هم نمی‌رسد و این درحالی است که جبلی هفته گذشته بودجه ۳۵ هزار میلیاردی سازمان صدا و سیما را ناکافی دانسته و بر این اعتقاد است که این بودجه باید افزایش یابد. حال باید پرسید، جبلی در کدام بخش‌ها احساس نیاز می‌کند. آیا از هدر دادن سرمایه در تولید سریال در زیرمجموعه خود خبر دارد و اصلاً به تماشای این سریال‌ها می‌نشیند؟

انگار چنین مجموعه‌هایی تنها با هدف نابودی سرمایه ساخته شده تا بخشی از آتنن را بر کنند و نه سازندگان آن به جذب تماشاگر توجه دارند و نه مدیران، انگیزه‌ای برای تولید سریال‌های با کیفیت.

ضعف در روایت، ریتم کند، تکرار ژانرهای اشباع شده و حواشی تولید و پخش، عواملی هستند که سهم تلویزیون از سبد سرگرمی مخاطبان را کاهش داده‌اند و این وضعیت، ضرورت بازنگری اساسی در سیاست‌گذاری و مدیریت تولیدات صدا و سیما را بیش از پیش آشکار می‌کند. از سوی دیگر به دلیل عدم حضور مدیران کاربلد در تلویزیون، کارگردانان شناخته شده‌ای ازجمله سعید سلطانی هم که تصمیم به ساخت سریال می‌گیرد با سادانگاری، مجموعه‌ای ضعیف را جلو دوربین می‌برد بدون اینکه نگران کیفیت پایین آن باشند.

بررسی سریال‌های کم‌مخاطب نشان می‌دهد که ناکامی آنها ناشی از





کیمل محبوب‌تر از ترامپ

برنامه شبانه مجری آمریکایی رکوردشکنی کرد

کرد؛ برندن کار، رئیس کمیسیون فدرال ارتباطات (FCC) که توسط ترامپ منصوب شده نیز اظهارات کیمل درباره کرک و حامیان ترامپ را «بسیار بیمارگونه» خواند و حتی هشدار داد که ممکن است، مجوز پخش شبکه ای‌بی‌سی به خطر بیفتد. نظرسنجی یوگاو همچنین از پاسخ‌دهندگان پرسید، آیا اظهارات کیمل سزاوار تعلیق بوده است یا خیر. بیش از نیمی از شرکت‌کنندگان (۵۵ درصد) گفتند نه درحالی که ۳۰ درصد، آن را موجه دانستند.

اما اندکی بعد اعلام شد که کیمل به آنتن بازمی‌گردد. شرکت مادر ای‌بی‌سی یعنی دیزنی در بیانیه‌ای گفت پس از «گفت‌وگوهای منجیده» با کیمل، تصمیم گرفته، بازگشت او را بپذیرد و اظهاراتش را «تابجا» توصیف کرد.

ترامپ پس از انتشار خبر بازگشت کیمل در شبکه تروث سوشال نوشت: باورم نمی‌شود، رسانه دروغ‌پرداز ای‌بی‌سی، کار جیمی کیمل را به او پس داده! او همچنین عنوان کرد، کیمل از ابتدا «بی‌استعداد» بوده است.

این در حالی است که مونولوگ بازگشت کیمل به ای‌بی‌سی در فضای مجازی پربازدید شد و بیش از ۱۴ میلیون بازدید در یوتیوب و ۵.۷ میلیون بازدید در اینستاگرام تنها در روز بعد از پخش کسب کرد.

کیمل در این برنامه با صدایی بغض‌آلود گفت که نمی‌خواسته، قتل یک جوان را به شوخی بگیرد و گفت: می‌خواهم چیزی را روشن کنم چون برای من به‌عنوان یک انسان مهم است و آن اینکه هرگز قصد نداشتم از مرگ آن جوان شوخی بسازم. واقعاً هیچ چیز خنده‌داری در آن نیست. او در ادامه افزود که با خانواده کرک ابراز همدردی کرده و از مخاطبان خواسته است با نگاهی انسانی و همراه با شفقت به ماجرا بنگرند. کیمل که سال‌هاست از منتقدان سرسخت ترامپ است پس از بازگشت به آنتن بعد از تعلیق جنجالی در سپتامبر همچنان مانند گذشته به او تاخته است. شبکه ای‌بی‌سی برنامه «جیمی کیمل لایو!» را کمتر از یک هفته تعلیق کرد، پس از آنکه برندن کار، رئیس افسی‌سی، تهدید کرده بود این شبکه باید بابت اظهارات کیمل درباره قتل چارلی کرک اقدام کند.

وقتی کیمل به آنتن بازگشت، این اقدام رئیس افسی‌سی را «سانسور دولتی» توصیف کرد و گفت، ترامپ سعی کرده، او را «طرذ» کند. ترامپ ابتدا از تعلیق برنامه خوشحال شد اما سپس تصمیم ای‌بی‌سی برای بازگرداندن او را محکوم کرد. او در پستی در تروث سوشال در ۲۳ سپتامبر نوشت: «نمی‌توانم باور کنم، اخبار جعلی ای‌بی‌سی دوباره به جیمی کیمل کار داده است» و تهدید به شکایت از شبکه کرد: «فکر می‌کنم قرار است از ای‌بی‌سی شکایت کنم. ببینم چه می‌شود».

کیمل بارها محبوبیت پایین ترامپ را دستمایه طنز قرار داده است. او در مونولوگ ۲۴ سپتامبر خود گفت: «او معنی رتبه بد را خوب می‌داند. او بدترین میزان محبوبیت را در میان روسای‌جمهور آمریکا داشته است».

در یک ویژه‌نامه مشترک شبانه که کیمل و استیون کولبر در برنامه‌های یکدیگر حاضر شدند، کیمل دوباره ترامپ را به باد انتقاد گرفت و گفت: «هرگز تصور نمی‌کردم، روزی برسد که رئیس‌جمهور کشورمان از بیکار شدن صدها آمریکایی خوشحال شود و از آن لذت ببرد. این دقیقاً نقطه مقابل چیزی است که یک رهبر واقعی باید باشد».

در حالی که دونالد ترامپ بارها مجری سرشناس جیمی کیمل را به خاطر بیننده‌های اندک دست انداخته است، یک نظرسنجی تازه نشان می‌دهد، کیمل در محبوبیت از رئیس‌جمهور پیشی گرفته، موضوعی که او با طعنه‌های تند و طنزآمیز در برنامه‌اش دستمایه شوخی قرار دارد.

در حالی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، جیمی کیمل را به خاطر میزان بیننده‌هایش مسخره می‌کند حالا کیمل در نتایج نظرسنجی‌ای که توسط مؤسسه یوگاو انجام گرفته و از شرکت‌کنندگان خواسته شده، دیدگاه خود را درباره هر دو نفر بیان کند نیز ترامپ را پشت سر گذاشته است. در مونولوگ ۶ اکتبر خود، مجری برنامه «جیمی کیمل لایو!» به یک نظرسنجی تازه از این موسسه واکنش نشان داد که نشان می‌داد، او محبوبیت بیشتری نسبت به رئیس‌جمهور دارد. در این نظرسنجی ۴۴ درصد از پاسخ‌دهندگان دیدگاه مثبتی به کیمل داشتند، در حالی که این رقم برای ترامپ ۴۱ درصد بود. همچنین ۴۱ درصد دیدگاهی منفی به کیمل داشتند، در حالی که نارضایتی از ترامپ به ۵۴ درصد می‌رسید. با در نظر گرفتن امتیازات این دو، نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد که کیمل از نظر محبوبیت ۱۶ امتیاز جلوتر از ترامپ قرار دارد.

کیمل گفت: «من از رئیس‌جمهور ایالات متحده محبوب‌ترم. همان مردی را به خاطر دارید که مدام می‌گوید من هیچ بیننده‌ای ندارم؟ خب، حالا هر دوی ما مشکل محبوبیت داریم!»

او افزود: «این خوب است اما با توجه به اینکه من نه دوست جفری اپستین مجرم هستم، نه پولی به یک ستاره پورن داده‌ام، نه گروهی از افراد نقاب‌دار را فرستاده‌ام تا مادر بزرگی را از نوه‌هایش جدا کنند، فکر می‌کنم امتیاز من باید بالاتر باشد، نه؟ الا آن حتی پیدا کردن به ناخن پا تو سلاحد هم هفت امتیاز جلوتر از دونالد ترامپ».

کیمل همچنین حدس زد که ترامپ ممکن است از این موضوع «ناراحت» باشد و به بیانیه‌ای از کاخ سفید واکنش نشان داد که گفته بود «غم‌انگیز» است که کیمل مخاطب ندارد و «هر شب دعا می‌کند که بخش کوچکی از حمایت ترامپ را به دست آورد».

کیمل پاسخ داد: «می‌دانید چه چیزی غم‌انگیزتر است؟ اینکه رئیس‌جمهور ایالات متحده، محبوبیتی کمتر از دیدی (خواننده مشهور موسیقی) و حتی اسهال دارد».

اما به‌رغم انتقادهای ترامپ درباره بی‌استعدادی کیمل و عدم محبوبیت وی، بازگشت او به تلویزیون شبانه با میلیون‌ها بیننده همراه بود، طبق بیانیه شبکه ای‌بی‌سی وابسته به والت‌دیزنی؛ این بالاترین میزان بیننده در زمان پخش منظم «جیمی کیمل لایو!» تاکنون بوده است.

بر اساس این نظرسنجی تازه، کیمل اکنون از ترامپ محبوب‌تر است؛ و این دومین برد او در برابر مرد شماره یک کاخ سفید پس از به روی آنتن رفتن مجدد برنامه‌اش است. نتیجه‌ای که پس از درگیری علنی میان این دو چهره و تعلیق موقت برنامه کیمل از شبکه ای‌بی‌سی اعلام شد.

بازگشت این مجری منتقد ترامپ به تلویزیون که اولین پیروزی او بر رئیس‌جمهور آمریکا و متحدین وی محسوب می‌شود بیش از ۶.۳ میلیون بیننده داشت یعنی سه برابر میانگین معمول برنامه‌های شبانه.

ماه گذشته ترامپ از تعلیق برنامه کیمل ابراز خوشحالی



رسول جعفریان، ایرج افشار و اکمل‌الدین احسان اعلو

همدیگر بودند. شگفتی من از حافظه عجیب او بود که تا پایان حیاتش آن را با خود داشت. من آخرین گفت‌وگوی تلفنی با ایشان را که تنها چند هفته پیش از درگذشتش بود به یاد دارم که کاملاً و مثل دفعات قبل، حاضر‌الذهن بود و از آخرین تحقیقاتش برآیم سخن گفت... ایرج افشار، نهایت احترام و ارتباط با هر کسی که دربارهٔ فرهنگ و تاریخ ایران کار می‌کرد را می‌گذاشت. موقعیت و امانت‌داری او سبب شده بود تا بسیاری از کسانی که مخطوطات و اسنادی در اختیار داشتند، برای نشر در اختیار او می‌گذاشتند. می‌دانیم که نسخه‌های خطی ایرانی و اسلامی فراوانی در اروپا، آمریکا، آسیا و بسیاری از نقاط دیگر عالم وجود دارد و افشار این توفیق را داشت تا به فهرست کردن مخطوطات فارسی در بسیاری از کتابخانه‌های غربی به شکل علمی بپردازد. نمونه آن کتابخانه ویندر در دانشگاه هاروارد، کتابخانه ملی اطریش و نیز مرکز آرشیو آن کشور بود. ایرج افشار گنج با ارزشی بود که دشوار بتوان در حوزه مطالعات نسخ خطی فارسی و اسلامی مانند او را پدید آورد. اگر توجه داشته باشیم که این مخطوطات به طور دائم در معرض از میان رفتن به دلایل طبیعی یا بی‌توجهی است، می‌توانیم ارزش کار افشار را در پاسداری از این میراث به عنوان یک اقدام اعجاب‌برانگیز درک کنیم به‌ویژه من آگاهم که افشار تمام این اقدامات را با نهایت علاقه و مراقبت و گذشت انجام می‌داد... زندگی ایرج افشار، حلقه‌ای متمایز از نظر فعالیت علمی خالص و انسانی و فداکارانه بود و نتیجهٔ این فعالیت فوق‌العاده و مشارکت پرانده آکادمیک او این بود که سبب شد تا میراثی بسان گنج از او برای نسل‌های آتی بماند... میراثی که افشار تمام زندگی خود را برای آن به کار گرفت و آن را به شکلی درخشان تقدیم دیگران کرد.

از شبکه دو سیمبا با تیمی جوان و ناشناخته. این سریال بر اساس داستان‌هایی واقعی ساخته شده است، روایتی متفاوت از خانواده‌هایی است که به دلایل مختلف تصمیم به سقط فرزندان خود گرفته بودند اما در لحظه آخر از این اقدام منصرف شده و مسیری تازه در زندگی خود یافتند. البته در مقایسه با هزینه‌های بالای تولید در شبکه خانگی شاید اطلاق «شکست» به این سریال دقیق نباشد اما در مجموع در جلب توجه عمومی ناکام بود.

چرخ گردون ۲ (۲ درصد مخاطب)

مجموعه «چرخ گردون ۲» ادامه داستان دو رقیب و رفیق به نام کریم آشی و غلام عدسی است. چرخ گردون ماجراهای کمدی که این دو نفر و خانواده‌هایشان را خلق می‌کنند. حمید لولایی، علیرضا خمسه، کمند امیرسلیمانی، رابعه اسکویی و رامین نارنصری از بازیگران این سریال هستند. حتی استفاده از بازیگران شناخته شده طنز همچون حمید لولایی و علیرضا خمسه نیز نتوانست به این سریال کمک کند و استقبال از آن پایین ماند. این سریال از شبکه دو پخش می‌شود.

فراری (۵ درصد مخاطب)

این سریال به کارگردانی امیر داسارگر از شبکه یک پخش شد و زندگی یک شهید مدافع حرم را از نوجوانی تا بزرگسالی (سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵) روایت می‌کند. شخصیت اصلی به نام هادی در مقاطع مختلف سنی داستان حضور دارد. از بازیگران آن می‌توان به هدایت هاشمی، نسرين بابایی و حسین رفیعی اشاره کرد. با وجود لوکیشن‌های متنوع و روایت در دهه ۷۰ این سریال کمتر از انتظار دیده شد. تجربه‌های قبلی تیم تولید در حوزه سینما و مستند نیز به بهبود نتیجه کمک نکرد.

آخرین دیدار (۴ درصد مخاطب)

این سریال به کارگردانی علی درخشنده، اقتباسی از کتاب «تنها گریه کن» که با وجود جذابیت بصری و انتشار همزمان در شبکه یک و رویکا، نتوانست موفق عمل کند. «آخرین دیدار» روایتگر زندگی پرفراز و نشیب مادر شهید محمد معماریان، اشراف‌السادات منتظری است. این مجموعه از تربیت فرزندی قهرمان آغاز می‌شود و تا زمان اعزام او به جبهه، حضور در میدان نبرد و در نهایت شهادت او ادامه می‌یابد. محور اصلی داستان، سختی‌ها و چالش‌هایی است که این مادر پس از شنیدن خبر شهادت فرزندش با آن روبه‌رو می‌شود. ریتیم کند روایت و استفاده از بازیگران کمتر شناخته شده از مهم‌ترین دلایل استقبال پایین از آن بود.

دوستی میان ما شکل گرفت. پروفیسور افشار، پرونده‌ای بسیار پربار و پرحجم در زمینهٔ علوم مختلف داشت. او در کنار فعالیت‌های درسی و کار مدیریتی در شماری از کتابخانه‌ها در مراکز دانشگاهی ایران به کار تألیف صدها کتاب و هزاران مقاله پرداخت و تردیدی نیست که دیگران هم با من در این نکته هم‌نظر هستند که دشوار بتوان عالمی ایرانی پیدا کرد که این حجم از تولید کتاب و اثر را در زمینه پژوهش در حوزهٔ تاریخ و فرهنگ ایرانی داشته باشد. او میراثی عظیم و غنی از مقالات و کتاب‌ها و معرفی‌ها و انتشار اسناد و عکس‌ها و متون و حواشی برای ما بر جای نهاده که هیچ پژوهشگر ایرانی معاصر در این حد و اندازه کار نکرده است. شگفتی من پیش از آن که مربوط به کارها و فعالیت‌های پژوهشی او در حوزه مخطوطات اسلامی و ایرانی و نیز روش منظم او در فهرست‌نویسی باشد و نیز بر اساس تخصص من در حوزه فرهنگ، در این نکته است که افشار، یک منبع بسیار مهم و استوار در حوزه مخطوطات ایرانی است. او از تمامی آنچه در حوزهٔ نسخ خطی می‌نوشت به محض آن‌که چاپ می‌شد، نسخه‌ای به من می‌داد... ایرج افشار، شغف واقعی برای فعالیت‌های علمی داشت و این به‌ویژه در حوزه مخطوطات بود به طوری که هیچ چیزی، مانع او برای کار علمی نبود. زندگی او همه بر محور کتاب گذشت و او خود و زندگی‌اش را تماماً وقف تحقیقات علمی، مطالعه، تألیف و پژوهش می‌کرد به طوری که من حتی یک‌بار نشنیدم که او از سیاست سخن بگوید. او به شکل منظم، اهل ورزش است و در واقع در کوهنوردی فردی ممتاز بود. بنابراین نباید تعجب کرد که وی سخت مراقب سلامتی جسمی خود تا سر حد امکان بود. او مردی بسیار دلپذیر و عالی بود. در میان دوستان ایرانی من، ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، تنها کسانی بودند که همیشه با

حال تغییر است و رقابت میان تلویزیون و پلتفرم‌های خانگی جدی‌تر شده، بازیگری در سیاست‌گذاری تولید، نوآوری در ژانرها و شناخت دقیق نیازهای فرهنگی و اجتماعی مخاطبان بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد. نظرسنجی این مرکز به شرح زیر است:

لمندگان (۹ درصد مخاطب)

اثری طنز که از شبکه دو سیمبا پس از تعطیلات نوروز پخش شد. هرچند هزینه تولید آن نسبت به نمونه‌های پخش خانگی پایین‌تر بود اما نتوانست از مرز ۱۰ درصد عبور کند. این سریال به تهیه‌کنندگی سعید مردادی، داستانی کمدی و فانتزی دارد و داستان سه جوانی است که صاحب منشور و تفکری هستند که چرا یک لاک‌پشت با اینکه خیلی آرام راه می‌رود ۳۰۰ سال عمر می‌کند و یک خرگوش با تحرک بالا، عمری چهار ساله دارد. بنابراین می‌توانیم دراز کشیم و بخوابیم و ۳۰۰ سال عمر کنیم.

جانان (۸ درصد مخاطب)

این سریال به کارگردانی علیرضا باغشنی، محصولی کم‌هزینه است



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

مخاطرات بازار کار

آیا بازار کار سیاستمداران را غافلگیر می‌کند؟

مهتا معرفت

تحلیلگر اقتصاد

این روزها نگرانی اقتصاددانان نسبت به آینده بازار کار در ایران بیشتر از همیشه است و به نظر می‌رسد، تحولات نگران‌کننده‌ای در انتظار این بازار است. اگر در گذشته شوک‌های اقتصادی به‌طور عمده بنگاه‌های کوچک و متوسط را از میدان خارج می‌کرد و بیکاری در مقیاسی محدود اما پراکنده بروز می‌یافت؛ امروز نشانه‌هایی دیده می‌شود که حتی بنگاه‌های بزرگ صنعتی نیز در معرض خطر تعطیلی یا کاهش جدی تولید قرار گرفته‌اند. به این ترتیب بیکاری در سال‌های آینده خود را به‌صورت یک بحران بزرگ نشان می‌دهد و می‌تواند، ساختار سیاسی را غافلگیر کند.

اقتصاد ایران پس از جنگ، سه دوره رکود تورمی را پشت سر گذاشته است. سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ اولین دوره رکود تورمی پس از جنگ بود که تا امروز هم بزرگ‌ترین رکود تورمی در چند دهه گذشته بوده است. در این دوره ۲۲ درصد سطح درآمد ملی کاهش پیدا کرد.

اثر ماندگار آن رکود تورمی، متوسط رشد اقتصاد ایران را به یک درصد تقلیل داد. دومین دوره رکود تورمی، سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ بود که اثر ماندگار رکود تورمی در این دوره افزایش تورم بود. متوسط تورم در دوران پس از جنگ حدود ۲۰ درصد بود که در سال‌های ۱۳۹۸ به ۴۲ درصد رسید یعنی بیش از دو برابر شد.

در حال حاضر، سومین دوره رکود تورمی را تجربه می‌کنیم. به احتمال زیاد بعید است که رشد اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۴ مثبت باشد و به‌طور قطع در سال ۱۴۰۵ ابعاد رکود تورمی بیشتر از افسال خواهد بود. رکود تورمی در این دوره از این جهت با دو دوره قبل متفاوت است که ما در حال حاضر گرفتار ناترازی انرژی هستیم که مشکلات بنگاه‌ها را تشدید می‌کند. به همین دلیل اقتصاددانان پیش‌بینی می‌کنند، اثر ماندگار رکود تورمی در سومین دوره می‌تواند، کاهش شدید اشتغال باشد.

به عقیده اقتصاددانان، بازار کار انعطاف‌پذیر با ایجاد فرصت‌های شغلی موقت، می‌تواند اشتغال و درآمد را افزایش دهد اما بدون امنیت اجتماعی مانند بیمه، بازنشستگی و دسترسی به خدمات عمومی، کارگران در معرض ناامنی و محرومیت قرار می‌گیرند. این امر به‌ویژه برای کارگران موقت، که از ثبات شغلی و مزایای بلندمدت محروم‌اند، می‌تواند به ناپایداری اجتماعی، کاهش ازدواج و باروری و تشدید پیری جمعیت منجر شود. برای حفظ تعادل، دولت‌ها باید سیاست‌هایی طراحی کنند که انعطاف‌پذیری بازار کار را با حمایت‌های اجتماعی مانند بیمه حوادث، مراقبت‌های درمانی و بازنشستگی قابل انتقال ترکیب کنند تا از هدررفت پتانسیل نیروی کار، به‌ویژه جوانان، جلوگیری شود.

اقتصاددانان می‌گویند: امنیت اجتماعی و بازار کار در ایران رابطه‌ای پیچیده و دوسویه دارند که تحت تأثیر عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مانند تحریم‌ها، تورم بالا و گسترش اقتصاد غیررسمی قرار گرفته است. از یک سو، بازار کار انعطاف‌پذیر و غیررسمی – که حدود ۶۰ درصد نیروی کار را شامل می‌شود- فرصت‌های شغلی موقتی ایجاد می‌کند اما بدون پوشش بیمه تأمین اجتماعی، کارگران را در برابر بیکاری، بیماری و بازنشستگی آسیب‌پذیر می‌کند و منجر به ناامنی اقتصادی، اضطراب روانی و کاهش اعتماد اجتماعی می‌شود. سازمان تأمین اجتماعی ایران، که بیش از ۴۲ میلیون نفر و حدود ۷۳ درصد جمعیت را تحت پوشش قرار می‌دهد، مزایایی مانند بازنشستگی، درمان و بیمه بیکاری ارائه می‌دهد اما این پوشش عمدتاً به کارگران رسمی محدود است و کارگران پیمانی یا کارگرانی شبیه رانندگان اسنپ اغلب از آن محروم‌اند. بیش از ۶۵ درصد دریافت‌کنندگان کمک‌های اجتماعی، زنان هستند که به دلیل وابستگی به خانواده یا کمک‌های دولتی، کمتر به بازار کار رسمی وارد می‌شوند. از سوی دیگر ضعف امنیت اجتماعی بر بازار کار باز تأثیر می‌گذارد و بهره‌وری نیروی کار را کاهش می‌دهد زیرا نبود حمایت‌های پایدار مانند بیمه حوادث یا حقوق متناسب با سختی کار، انگیزه یادگیری مهارت و ماندگاری در شغل را کم می‌کند و به مهاجرت نخبگان، افزایش جمعیت غیرفعال و گسترش آسیب‌های اجتماعی مانند فقر و اعتیاد دامن می‌زند. تحریم‌های اقتصادی این چرخه را بدتر و طبقه متوسط را فقیرتر کرده در حالی که نرخ بیکاری رسمی ۷.۳ درصد به نظر مطلوب است اما نرخ واقعی با احتساب اشتغال ناکافی و غیررسمی بالاتر است.

بهشت خزانه‌ها

خزانه‌های متعدد در نظام حکمرانی چه عوارضی به دنبال دارد؟

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

مسعود روغنی‌زنجانی و عباس آخوندی، بحث‌هایی را درباره چند خزانه بودن نظام حکمرانی در ایران مطرح کرده‌اند که به عقیده آنها نشان‌دهنده عدم شفافیت مالی در ساختار سیاسی کشور است.

عباس آخوندی در گفت‌وگو با انتخاب گفته: «یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ایران، وجود خزانه‌های متعدد است؛ وقتی شما اجازه می‌دهی که مراکز مختلف نفت را بفروشند

و آن منابع صرف هزینه‌های خودشان بشود یعنی خزانه واحد ندارید. وقتی یک عده‌ای اسم‌شان نهاد عمومی است ولی درآمدشان جزو درآمدهای عمومی نیست یعنی شما خزانه واحد ندارید.»

مسعود روغنی‌زنجانی هم در گفت‌وگویی با هفته‌نامه تجارت‌فردا گفته: «نتیجه تعارض دو بخش انتخابی و غیرانتخابی قانون اساسی این بوده که ما برای حاکمیت، دو خزانه داشته باشیم. در دنیا هیچ ساختار قدرتی را نمی‌بینید که حاکمیت آن دارای دو خزانه باشد. ما یک خزانه مبتنی بر اصل ۵۳ قانون اساسی داریم که زیر نظر دولت و مجلس است و یک خزانه که تحت نظر دولت و مجلس نیست. بخش انتخابی جامعه که دولت و

نمایندگان مجلس هستند و البته مردم اطلاعاتی از عملکرد مالی خزانه دوم ندارند. دو خزانه داشتن حاکمیت در عمل اقدامات متعارضی را به وجود آورده است.» اما منظور از چند خزانه بودن یا چند خزانه داشتن نظام حکمرانی چیست؟

به عقیده اقتصاددانان، چند خزانه بودن به وضعیتی اشاره دارد که در یک نظام حکمرانی به‌جای وجود یک خزانه مرکزی واحد که تمام درآمدها و هزینه‌های عمومی کشور را مدیریت کند چندین مرکز مالی مستقل وجود داشته باشند. این مراکز مانند نهادهای عمومی یا غیردولتی، درآمدهای خود را جداگانه جمع‌آوری و خرج می‌کنند بدون اینکه این منابع تحت نظارت و کنترل خزانه‌داری کل یا مجلس شورای اسلامی باشند. در کشور ما این مساله به این معناست که بخشی از درآمدها، به‌ویژه از منابع نفتی، به خزانه مرکزی دولت وارد نمی‌شود و توسط نهادهای غیرانتخابی، خارج از نظارت دولت و مجلس مدیریت می‌شود. این وضعیت به عقیده اقتصاددانان باعث پراکندگی منابع، عدم شفافیت، کاهش پاسخگویی و ناهماهنگی در سیاست‌گذاری اقتصادی می‌شود زیرا برخلاف اصل ۵۳ قانون اساسی، همه درآمدها و هزینه‌ها در یک خزانه واحد جمعیت و نظارت نمی‌شوند.

وجود چند خزانه در نظام حکمرانی، مشکلات متعددی ایجاد می‌کند که به عدم شفافیت، ناکارآمدی و تضعیف

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

روزهای خوش سهام

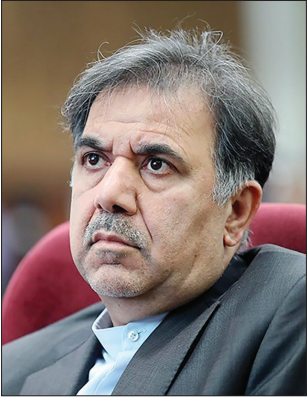
بورس چگونه به مسیر خود ادامه می‌دهد؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

معاملات دیروز سه‌شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۴ در بورس تهران با روندی مثبت برای شاخص‌ها به پایان رسید. شاخص کل بورس با ثبت افزایش ۴۱ هزار و ۴۴۹ واحدی معادل ۱/۴۳ درصد، در سطح ۲ میلیون و ۹۳۲ هزار واحدی قرار گرفت. شاخص کل هم‌وزن نیز با رشد ۷ هزار و ۶۵۶ واحدی معادل ۰/۹۱ درصد به رقم ۸۳۵ هزار و ۹۱۱ واحدی رسید. این روند نشان‌دهنده ادامه برتری جریان خرید در بازار و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران حقیقی به سهام مختلف است. حجم معاملات دیروز شامل سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی بالغ بر ۳۱/۶ میلیارد سهم بود و ارزش معاملات به ۱۲,۰۹۱ میلیارد تومان رسید. سرانه خرید هر سهامدار حقیقی ۸۶/۶ میلیون

حاکمیت اقتصادی منجر می‌شود. وقتی خزانه واحد وجود ندارد و نهادهای مختلف، مانند نهادهای عمومی یا غیردولتی، درآمدهای خود را مستقل از خزانه مرکزی مدیریت می‌کنند، نظارت و کنترل بر منابع مالی کشور کاهش می‌یابد. این موضوع باعث می‌شود که منابع عمومی به‌صورت غیرشفاف و بدون پاسخگویی به دولت یا مجلس هزینه شوند که برخلاف اصل ۵۳ قانون اساسی است که تمام درآمدها و هزینه‌های عمومی را زیر نظر خزانه‌داری کل و مجلس قرار می‌دهد. این تعدد خزانه‌ها به تعارض بین بخش‌های انتخابی و غیرانتخابی دامن می‌زند. بخش غیرانتخابی که خزانه‌ای مستقل دارد از نظارت عمومی و مردمی مصون می‌ماند و این امر اعتماد



عمومی را تضعیف می‌کند زیرا مردم و نمایندگان‌شان از عملکرد مالی این بخش بی‌اطلاع هستند. در نتیجه، سیاست‌گذاری اقتصادی منسجم مختل می‌شود و اقدامات متعارض بین بخش‌های مختلف حاکمیت شکل می‌گیرد. برای مثال تخصیص منابع به پروژه‌های غیراولویت‌دار یا موازی‌کاری در هزینه‌ها افزایش می‌یابد. علاوه بر این، نبود خزانه واحد به توزیع نابرابر منابع، فساد مالی و ناکارآمدی در مدیریت بودجه منجر می‌شود. در سطح بین‌المللی هیچ نظام حکمرانی موفقی با دو یا چند خزانه عمل نمی‌کند زیرا این ساختار به پراکندگی قدرت اقتصادی و تضعیف اقتدار دولت مرکزی می‌انجامد. در ایران این مساله به‌ویژه به دلیل وابستگی به درآمدهای نفتی تشدید می‌شود زیرا کنترل منابع نفتی توسط نهادهای مختلف، هماهنگی در سیاست‌های کلان اقتصادی را دشوارتر می‌کند. در نهایت، این وضعیت به کاهش کارایی نظام حکمرانی، افزایش نابرابری و تضعیف اعتماد عمومی منجر می‌شود. کشورهای مختلفی گرفتار عارضه سیستم‌های مالی موازی هستند که در همه این کشورها پراکندگی منابع، عدم شفافیت و ناهماهنگی در مدیریت بودجه عمومی مشاهده می‌شود. هرچند این مساله بیشتر در اقتصادهای در حال توسعه و وابسته به منابع طبیعی برجسته است. در کشور ما این عارضه به دلیل تعدد نهادهای عمومی غیردولتی که

درآمدهای نفتی را مستقل مدیریت می‌کنند، شدید است و به تضعیف خزانه واحد منجر شده است. کشورهای نفتی دیگری مانند ونزوئلا نیز از این مشکل رنج می‌برند. در این کشور، شرکت دولتی نفت PDVSA بودجه‌ای موازی با دولت مرکزی دارد و منجر به فساد و ناکارآمدی اقتصادی شده؛ عربستان سعودی هم با صندوق سرمایه‌گذاری عمومی که منابع نفتی را جداگانه اداره می‌کند، نوعی پراکندگی مالی را تجربه می‌کند، هرچند تلاش‌هایی برای ادغام آن با بودجه عمومی در جریان است. در عراق تعدد احزاب سیاسی باعث ایجاد بودجه‌های موازی از درآمدهای نفتی شده و نظارت مرکزی را تضعیف کرده است. الجزایر و لیبی نیز به دلیل بی‌ثباتی سیاسی و تقسیم منابع نفتی بین گروه‌های مختلف با خزانه‌های پراکنده دست و پنجه نرم می‌کنند. این عارضه مختص کشورهای نفتی نیست و اغلب به دلیل فدرالیسم، فساد یا ساختارهای حکومتی پیچیده در کشورهای غیرنفتی نیز به اشکال مختلف ظاهر می‌شود. در ایالات متحده، سیستم فدرال منجر به بودجه‌های متعدد در سطوح فدرال، ایالتی و محلی می‌شود که هرچند هماهنگ است اما پراکندگی منابع را ایجاد می‌کند و گاهی به ناهماهنگی در سیاست‌های مالی منجر می‌شود. آرژانتین به عنوان یک اقتصاد غیرنفتی، از بودجه‌های موازی در استان‌ها و نهادهای عمومی رنج می‌برد که نظارت مرکزی را کاهش داده و به بحران‌های بدهی مزمن دامن زده است. در پاکستان که وابستگی کمتری به نفت دارد، نهادهای نظامی و اطلاعاتی، بودجه‌های مستقل خارج از نظارت پارلمانی دارند، مشابه مدل ایران. چین با اقتصاد غالباً غیرنفتی، صندوق‌هایی دارد که منابع را جدا از بودجه مرکزی مدیریت می‌کند و به نوعی چندپارگی مالی منجر شده است. کشورهای در حال توسعه آسیایی مانند کامبوج و ازبکستان نیز طبق گزارش‌های بانک توسعه آسیایی از مسائل چندپارگی در حکمرانی رنج می‌برند، جایی که نهادهای محلی یا شبه‌دولتی، منابع را مستقل اداره می‌کنند.

در سطح جهانی، چندپارگی در نظام مالی بیشتر به عنوان یک روند ژئوپلیتیکی توصیف می‌شود، مانند آنچه در گزارش‌های انجمن جهانی اقتصاد آمده که کشورها را به ایجاد سیستم‌های مالی موازی سوق می‌دهد و می‌تواند تا ۵ درصد از تولید ناخالص جهانی هزینه سالانه داشته باشد. این مساله در کشورهای در حال گذار مانند مغولستان و پاپوآ گینه‌نو نیز دیده می‌شود، جایی که منابع معدنی به بودجه‌های پراکنده منجر شده است. در نهایت این عارضه اغلب ریشه در ساختارهای سیاسی و اقتصادی دارد و در کشورهای نفتی به دلیل تمرکز درآمدهای هیدروکربنی بر نهادهای خاص تشدید می‌شود اما در اقتصادهای متنوع نیز به دلیل فدرالیسم یا فسادی که وجود دارد به ناکارآمدی، افزایش نابرابری و کاهش اعتماد عمومی می‌انجامد.

تمایل سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در سهام است. تعداد صف‌های خرید دیروز ۲۲۸ مورد و تعداد صف‌های فروش ۶۶ مورد بود. این آمار حاکی از برتری قابل توجه خریداران و تمایل به خرید سهام در بازار است. افزایش تعداد صف‌های خرید نسبت به فروش نشان می‌دهد که با وجود برخی فشارهای فروش، قدرت تقاضا همچنان بیشتر از عرضه است و این موضوع می‌تواند، روند صعودی شاخص‌ها را در روزهای آینده نیز تقویت کند. در مجموع معاملات دیروز بورس تهران، افزایش شاخص‌ها و ورود نقدینگی حقیقی به سهام همراه با رشد تعداد نمادهای مثبت و افزایش ارزش سفارش‌های خرید، نمایانگی تمایل سرمایه‌گذاران به حضور فعال در بازار و ادامه روند صعودی شاخص‌هاست. دلار در بازار آزاد در روز گذشته برای دقایقی وارد کانال ۱۱۰ هزار تومان شد و مجدداً به کانال ۱۱۱ هزار تومان بازگشت و در سطح ۱۱۱ هزار و ۱۰۰ تومان، کار خود را به اتمام رساند. در معاملات دیروز اسکناس آمریکایی دلار در کانال ۱۱۰ هزار تومان آغاز به کار کرد و در ادامه شاخص ارزی دو کانال بالاتر آمد و به میانه‌های کانال ۱۱۲ هزار تومان رسید. قیمت‌ها در بازار طلا و سکه هم افزایشی بود و قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار به سطح ۱۰ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان رسید. سکه امامی هم در کانال ۱۱۳ میلیون تومان مسود معامله قرار گرفت. صندوق‌های طلا هم تا این لحظه با ورود یک هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان پول حقیقی همراه شده‌اند.

زمین‌خواری در گلستان

چرا شبکه زمین‌خواران بر استان گلستان تمرکز کرده‌اند؟

گروه اجتماعی: گلستان به دلیل تنوع جغرافیایی و اکوسیستم‌بی‌نظیر هیرکانسی و موقعیت ساحلی در کنار خزر برای دهه‌ها در کانون سودجویانی قرار داشته که به دنبال استفاده اختصاصی از منابع عمومی بوده‌اند. روند ثبت و واگذاری املاک ملی در ایران ناکارآمد است؛ بسیاری از اراضی فاقد سند تک‌برگ بوده و قانون بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع نیز «عرصه» را به شکلی کلی تعریف می‌کند. این‌خلاً‌ها در کنار نفوذ مقام‌های محلی، زمینه‌ساز شکل‌گیری شبکه‌های زمین‌خواری شد. فراتر از واگذاری‌های معمول، رسانه‌ها بارها گزارش داده‌اند که اراضی ساحلی و جنگلی استان عملاً به حراج گذاشته شده‌اند؛ اتفاقی که رئیس وقت دادگستری استان در دهه ۱۳۹۰ نیز به آن اشاره می‌کرد و آن را ناشی از «تثانی و سوءاستفاده از خلأ قانونی» دانست. این پرونده‌ها تنها داستان یک یا دو قرارداد نیستند؛ آنها روایت ساختاری از روابط قدرت، رانت و دور زدن قانون در واگذاری منابع عمومی‌اند.

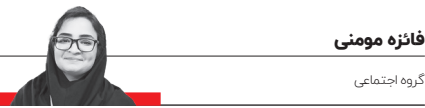
بندر ترکمن؛ قرارداد ترکمنچای

یکی از مشهورترین پرونده‌ها مربوط به واگذاری ۱۵ هکتار از ساحل بندر ترکمن حدود دو دهه قبل بود. شهرداری این اراضی عمومی را در قالب اجاره‌نامه‌ای ۴۵ ساله و با اجاره‌بهای ماهانه فقط یک میلیون تومان به یک سرمایه‌گذار خصوصی واگذار کرد. این قرارداد که بعدها حتی «قرارداد ترکمنچای» نام گرفت، نه تنها عایدی قابل‌توجهی برای شهرداری نداشت بلکه سرمایه‌گذار نیز پس از سال‌ها طرح توسعه‌ای

جامعه

پیوند با ایران باستان

همزمان با فرا رسیدن جشن مهرگان، بازسازی همبستگی ملی یک ضرورت تلقی می‌شود



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

شازندهم مهرماه مصادف است با «مهر روز» از ماه مهر در تقویم ایران باستان؛ روزی که ایرانیان از دیرباز جشن مهرگان را برپا می‌کردند. این آیین ریشه در باورهای کهن مزدیسنا و اسطوره‌های ایرانی دارد و به ایزد مهر، خدای نور، راستی و پیمان‌ها تعلق دارد. در تقویم مزدیسنی، هر ماه ۳۰ روز و هر روز نامی ویژه دارد. روز شازندهم، «مهر روز» نامیده می‌شود و چون این روز در ماه مهر قرار می‌گیرد، روز و ماه هم‌نام شده و جشن مهرگان آغاز می‌گردد. هم‌زمانی این تاریخ بـا اعتدال پاییزی و فصل برداشت محصول، مهرگان را به «نوروز پاییزی» بدل ساخته و آن را پس از نوروز، دومین جشن بزرگ ایرانیان دانسته‌اند. امسال، مهرگان در شرایطی برگزار می‌شود که کشور چند ماه پیش دوران بحرانی جنگ ۱۲ روزه را پشت سر گذاشت؛ جنگی که از ۲۳ خردادماه آغاز و سبب تعطیلی طولانی‌مدت موزه‌ها و بناهای تاریخی کشور شد. با فروکش کردن بحران، مجموعه سعدآباد از هفتم مهر بازگشایی شد و ۷ کاخ‌موزه آن دوباره پذیرای مردم شدند. موزه ملی ایران نیز همزمان با هفته گردشگری درهای خود را گشود. در چنین فضایی، برگزاری آیین‌های ملی نه‌تنها بازگشتی به نظم طبیعی سال بلکه گامی در بازسازی همبستگی اجتماعی و آرامش روانی جامعه است.

ریشه‌های اساطیری و تاریخی مهرگان

واژه «مهر» از صورت اوستایی «مِثْرَه» گرفته شده و در فارسی میانه به «میترا» و در فارسی نو به «مهر» و «میترا» بدل شده است. این واژه به‌معنای عشق، محبت، پیمان و خورشید است. در باور ایرانیان، مهر در میانه جهان نور و تاریکی ایستاده است؛ یاور راستی، داور میان نیکی و بدی و نگهبان پیمان‌هاست. اربابه‌ای زرین دارد که چهار اسب سفید آن را می‌کشدند و بر سپیدهم پرفراز البرز می‌درخشد تا تاریکی را از میان بردارد و زمین را بارور کند. از این‌رو، مهرگان جشن نور و زندگی و شکرگزاری برای نعمت‌ها و برداشت محصول است.

پیوند با عدالت و پیروزی

در روایت‌های تاریخی و اسطوره‌ای، مهرگان یادآور برپایی عدالت و پیروزی نیکی بر شر است. داریوش بزرگ پس از شکست گنومات مغ در همین روز تاج‌گذاری کرد و فریدون و کاوه اهنگر نیز در شاهنامه در همین

اجرا نکرد. ورود دادگستری به پرونده و اقاله قرارداد، باعث فسخ اجاره و بازگشت زمین به شهروندان شد. تنها درآمد شهرداری از محل استفاده عمومی پارکینگ در تعطیلات نوروزی به ۲ میلیارد تومان رسید و این سرمایه برای احداث بازارچه با ۳۲۰ غرفه و توسعه زیرساخت گردشگری در دست استفاده قرار گرفت. این پرونده نشان داد که چگونه قراردادهای بلندمدت و نامتوازن می‌توانند، دسترسی عمومی به ساحل را محدود و بیت‌المال را متضرر کنند.

بندر گز؛ پروژه متوقف شرکت عمانی

مشابه این ماجرا در بندر گز رخ داد. در سال ۱۳۸۷، ۵۰ هکتار از سواحل این شهرستان برای احداث دهکده‌ای گردشگری به شرکتی از عمان واگذار شد. سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده در آن زمان بین ۲۰۰ تا ۳۵۰ میلیارد تومان بود اما طی سال‌ها پروژه عملاً راکد ماند؛ نه اشتغالی ایجاد شد و نه رونق گردشگری. در نهایت پس از شکایت اداره راه و شهرسازی و بررسی دادگاه، حکم خلع بد ۵۲ هکتار از این اراضی صادر شد. ارزش این زمین‌ها، بالغ بر ۹ هزار میلیارد ریال اعلام شد. بازگشت این زمین‌ها نشان داد که حتی قراردادهای خارجی نیز بدون نظارت می‌توانند به مانهی برای توسعه محلی تبدیل شوند.

شهرک تالار؛ پرونده ۳۰ ساله قضات

در منطقه ناهارخوران گرگان، اراضی تحت عنوان «شهرک تالار» طی دهه ۱۳۷۰ به ۴۵ نفر از قضات استان واگذار شد. یک سال بعد دادگاه

عمومی گرگان واگذاری را غیرقانونی دانست اما قضات ذی‌نفع به رأی اعتراض کردند و دادگاه تجدیدنظر، رأی را به نفع آنان برگرداند. در نهایت با دستور رئیس وقت قوه قضاییه و اعمال ماده ۴۷۷ دیوان عالی کشور رأی را نقض و حکم به بازگرداندن زمین‌ها به منابع طبیعی داد. این پرونده که سه دهه طول کشید، نشان‌دهنده پایداری فساد در بدنه دستگاه‌ها و در عین حال توان نظام قضایی برای اصلاح اشتباهات تاریخی است.

کافه جنگلی؛ تصرف ۲ دهه‌ای و آزادسازی در سال جدید

چند روز پیش رسانه‌ها از تخلیه عرصه‌ای ۱۶ هزار و ۶۵۰ مترمربعی از جنگل هیرکانی در ناهارخوران خبر دادند. این قطعه جنگلی بیش از دو دهه در اختیار یک کافه بود و به مکانی تفریحی با آلاچیق‌های متعدد تبدیل شده بود. دستگاه قضایی با تأکید بر صیانت از جنگل‌های هیرکانی، حکم خلع‌بد صادر کرد و زمین به بیت‌المال بازگشت. ارزش اقتصادی این عرصه بیش از ۳۰۰ میلیارد تومان برآورد شد. این رویداد نشان داد حتی تصرفات کوچک و دیرپا نیز دیگر مصون از پیگرد نیستند.

عملیات وسیع خلع بد و آزادسازی اراضی

پدیده زمین‌خواری تنها به پروژه‌های بزرگ محدود نیست؛ تصرفات

پلی است میان گذشته و آینده؛ نسلی تازه را با میراث کهن آشنا می‌کند و روح جمعی را زنده نگه می‌دارد. بازگشت به آیین‌های کهن، یادآور پیوند انسان با طبیعت و با یکدیگر است. مهرگان به ما می‌آموزد که بخشندگی، عدالت و دوستی بنیان جامعه‌ای پایدار است. در این روز، مهر بر تاریکی پیروز می‌شود و مردم در کنار هم، شادی و صلح را جشن می‌گیرند؛ و این همان چیزی است که ایران امروز، پس از روزهای سخت جنگ، بیش از هر زمان دیگر به آن نیاز دارد.

روز داریوش بزرگ؛ نماد خرد، نظم و ایران گرایی

شازندهم مهر، تنها روز جشن مهرگان نیست؛ این روز در تقویم ایرانی به عنوان روز داریوش بزرگ نیز شناخته می‌شود. روزی برای یادآوری پادشاهی که نه فقط امپراتوری‌ای بنا کرد بلکه مفهوم قانون، نظم و دادگری را در سیاست و فرهنگ ایران نهادینه ساخت. داریوش در کتیبه بیستون از «راستی» و «دروغ» سخن می‌گوید؛ همان مفاهیمی که در آیین مهر نیز جوهره هستی به شمار می‌آیند. در سال‌های اخیر، آیین بزرگداشت او در آرامگاه نقش رستم همچنین در مراکز فرهنگی کشور با حضور پژوهشگران و علاقه‌مندان تاریخ ایران برگزار می‌شود. بسیاری این هم‌زمانی را تصادفی نمی‌دانند؛ قرار گرفتن نام داریوش در کنار مهر، پیوندی است میان خرد سیاسی و مهر انسانی، میان دولت و مردم و میان نظم و عشق. در روزگار پس از بحران‌ها و جنگ‌ها، یادآوری داریوش بیش از یک مراسم تاریخی است؛ دعوتی است برای بازسازی امید و اعتماد. همان‌گونه که داریوش پس از سال‌های آشوب امپراتوری را سامان داد، امروز نیز یاد او می‌تواند، الهام‌بخش بازسازی معنوی جامعه باشد. به همین دلیل ۱۶ مهر در ایران معاصر نه تنها روزی برای بازگشت خورشید و مهر بلکه روزی برای بازگشت به خویش‌شن تاریخی و فرهنگی ایرانیان است.

مهرگان، روح صلح و عدالت

جشن مهرگان بیش از چهار هزار سال قدمت دارد و در ژرفای فرهنگ ایرانی ریشه دوانده است. این جشن نه‌تنها بازتابی از اسطوره و تاریخ کهن است بلکه تجلی فلسفه‌ای انسانی بر پایه نور، راستی و محبت است. امروز در روزگاری که جامعه نیازمند اعتماد و آرامش است، مهرگان یادآور توانایی فرهنگ در بازسازی امید و همدلی است. گرامیداشت مهرگان، پاسداشت گذشته نیست بلکه سرمایه‌گذاری برای آینده‌ای سرشار از مهربانی و صلح است؛ آینده‌ای که در آن، همان‌گونه که خورشید مهر هر بامداد بر تاریکی غلبه می‌کند، مردم نیز با مهربانی و راستی، زخم‌های خویش را التیام می‌بخشند.



کوچک و پراکنده نیز محیط زیست را تهدید می‌کند. در مهر ۱۴۰۴ یگان حفاظت منابع طبیعی گلستان طی یک عملیات گسترده در ۸ شهرستان بیش از ۱۰۹ هزار مترمربع از اراضی ملی را آزاد کرد.

چند روز بعد، دادگستری استان از اجرای احکام مشابه در وسعتی بیش از ۱۰۲ هزار مترمربع دیگر خبر داد. مجموع ارزش این اراضی بیش از ۱۳۰ میلیارد تومان اعلام شد. مسئولان هشدار دادند که تصرفات خرد، تهدیدی جدی برای تنوع زیستی و پایداری منابع آب و خاک استان به شمار می‌رود. زمین‌خواری در گلستان سال‌ها پنهان بوده و تنها با فشار افکار عمومی به موضوعی ملی تبدیل شده است. بازپس‌گیری ساحل بندر ترکمن، لغو قرارداد بندر گز، نقض واگذاری اراضی ناهارخوران به قضات و خلع‌بد کافه ۱۶ هزار متری، نشانه‌هایی از بازگشت عدالت است. با این وجود اگر نظام مالکیت و نظارت اصلاح نشود، شبکه‌های زمین‌خواری با شکل جدیدی بازخواهند گشت. گلستان با جنگل‌های ثبت شده در فهرست میراث جهانی یونسکو، سزاوار مدیریتی پایدار و شفاف است. تنها از طریق سسنددار کردن اراضی، شفافیت قراردادها و مشارکت مردم، می‌توان از تکرار «حراج زمین» جلوگیری کرد و آینده‌ای سبز برای این استان رقم زد.

تکنیبه

تکذیب‌شد

معاون اول رئیس‌جمهور انحلال سازمان امور عشایری را تکذیب کرد

در روزهای اخیر، تصمیمات نگران‌کننده‌ای پیرامون انحلال سازمان امور عشایر ایران مطرح شده که واکنش‌های بسیاری را از سوی نمایندگان مجلس و شخصیت‌های سیاسی به دنبال داشته است. محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور در واکنشی به این موضوع ضمن تأکید بر این نکته که هیچ تصمیمی برای انحلال این سازمان گرفته نشده است از اهمیت جایگاه این سازمان در حفظ امنیت مرزی، تولید ملی و حفاظت از منابع طبیعی سخن گفت و تأکید کرد که باید مطالبات به حق عشایر و روستاییان را برآورده کنیم. عشایر ایران، به عنوان یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین اقشار تولیدی کشور، همواره نقش حیاتی در تأمین امنیت غذایی، حفظ منابع طبیعی و انتقال ارزش‌های فرهنگی ایفا کرده‌اند. این جامعه بزرگ و زحمتکش با وجود تمام محدودیت‌ها و چالش‌های اقتصادی طی سال‌های اخیر توانسته‌اند به تولید و حفظ منابع طبیعی کشور ادامه دهند. بنابراین هرگونه تصمیمی که منجر به تضعیف ساختار موجود سازمان عشایر شود، نه‌تنها به آسیب به هویت ملی و اقتصادی کشور می‌انجامد بلکه در درازمدت باعث تهدید امنیت مرزها و از دست رفتن یکی از ستون‌های اصلی توسعه پایدار خواهد شد. در همین راستا، برخی از نمایندگان مجلس با انتقاد از تصمیم شورای عالی اداری مبنی بر ادغام و انحلال سازمان امور عشایر، این اقدام را غیرکارشناسی و زیان‌بار برای منافع ملی دانسته‌اند. آنان به‌ویژه در سخنان خود به آسیب‌هایی اشاره کرده‌اند که این تصمیم ممکن است به امنیت مرزی و تولید ملی وارد کند. به گفته محمد مهدی فروردین، نماینده فیروزآباد، عشایر ایران در دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بیش از ۱۱ هزار شهید تقدیم کشور کرده‌اند و حذف یا تضعیف این نهاد به معنای بی‌مهری به یک قشر زحمتکش و غفلت از سرمایه انسانی و فرهنگی کشور است. در نهایت، آنچه که از واکنش‌های اخیر نمایندگان و مقامات به نظر می‌رسد، این است که در شرایط کنونی که کشور بیش از هر زمان دیگری به تقویت امنیت غذایی، خودکفایی و حفظ منابع طبیعی نیاز دارد، تصمیمات نادرست و شتاب‌زده در ادغام یا انحلال نهادهای تخصصی می‌تواند به قیمت از دست رفتن این منابع حیاتی تمام شود. لذا به جای انحلال باید به تقویت و ارتقای جایگاه سازمان‌هایی مانند سازمان امور عشایر پرداخته و راهکارهایی برای بهبود عملکرد آنها ارائه شود. این امر نه‌تنها به سود عشایر و جامعه روستایی است بلکه به‌طور مستقیم به نفع تمام مردم ایران خواهد بود.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیرنظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاده، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌نفر • حروفچین: مریم شهسوارزاده • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰

ادامه یادداشت روز

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



چهارشنبه ۱۰ اسفند

بازدید از واحد توسعه نیشکر در اهواز

صبحانه را با عفت و اشرف‌خانم، [خواهر عفت] و بدری‌خانم، [دخترعموی عفت] و مهین‌خانم، [دخترخواهر عفت]-که همراه عفت‌اند- خوردیم. گزارش‌ها را خواندم و به سوی واحد امیرکبیر توسعه نیشکر در ۴۰ کیلومتری جنوب اهواز حرکت کردیم. آقای مهندس [عبدالحسن] مقتدایی، استاندار [خوزستان] از لحظه ورود تقریباً همه جا همراه است و به سوالات دربارهٔ اوضاع استان جواب می‌دهد؛ قبلاً نماینده آبادان در مجلس بود.

در واحد امیرکبیر، همراه [آقای محمود حجتی]، وزیر جهادکشاورزی و مهندس [مهدی] مفیدی، مدیرعامل [شرکت کشت و صنعت نیشکر کارون] از پل بزرگی که روی کارون برای ارتباط این واحد با واحدهای شرق کارون زده‌اند، بازدید کردیم. سپس از مزارع نیشکر و نحوه برداشت نی توسط ماشین‌های بزرگ، بازدید به عمل آمد و رفتیم برای کارخانه تولید شکر، از الواح پرده برداشتیم و از بخش‌های مختلف کارخانه بازدید کردیم. برق کارخانه قطع بود و خاموش. جمعی از کارشناسان مصری و وزیر خصوصی‌سازی و سفیر مصر هم بودند. با آنها احوال‌پرسی کردم. گفتند ۶۵ نفر هستند. طرف قرارداد تجهیزات با مصر است که بابت ۱۵۰ میلیون دلار طلب ایران، از قبل از انقلاب، پنج کارخانه به ایران فروخته است؛ گرچه بخشی از قطعات پیچیده را دولت چک ساخته. ظرفیت هر يك ۹۰ هزار تُن شکر و حدود ۴۰ میلیون دلار ارزی‌ری داشته است.

به سالن مراسم رفتیم. شرکت‌هایی که در ساخت‌وساز واحد کار کرده‌اند، حضور داشتند. آقایان [محمود] حجتی و [مهدی] مفیدی خیرمقدم گفتند و گزارش دادند و از نقش من در تأسیس و ادامه کار شرکت توسعه نیشکر اهواز، قدردانی کردند. من هم سخنرانی مفصلی کردم؛ اهمیت کار توسعه نیشکر، تأمین نیازهای کشور با تولید دو میلیون تُن محصول استراتژیک در سال از قبیل شکر، کاغذ، خوراک دام، خمیرمایه، الکل صنعتی و فیبر نیمه‌فشرده و ایجاد شغل برای ۵۰ هزار نفر به طور مستقیم و غیرمستقیم و رشد نیروی متخصص و فناوری‌های مهم و استفاده از منابع ارون، آب و خاک و عمران خوزستان را توضیح دادم و از کارکنان و مصریان، قدردانی کردم.

پس از ناهار و نماز و استراحت، دوباره به کارخانه رفتیم. با آمدن برق، کارخانه راه افتاده بود و بخشی از آن را در حال کار دیدیم. گفتند، دیشب سارقان، بخشی از کابل‌های برق مسیر انتقال انرژی را بریده و برداند و این‌گونه دزدی، اخیراً در خوزستان زیاد شده است؛ در جریان راه‌اندازی متروی تهران هم این‌گونه دزدی‌ها رخ داد.

به محل طرح تولید و پرورش ماهی ستاد معین [خرمشهر] رفتیم. قرار بود ۲۵ هزار هکتار زمین را با آکالیپتوس مشجر کنند و از چوب آن کاغذ تولید کنند. آقایان [محمدعلی] کامروا، [رییس ستاد معین خرمشهر] و اسکویی گزارش دادند و مشکلات‌شان را گفتند. خواستند، تلمبه‌خانه تأمین آب حوضچه‌های پرورش ماهی را افتتاح کنند. مدتی تلمبه‌ها راه نیفتاده بود. رفتیم و حوضچه‌ها را دیدیم؛ نسبت به سه سال پیش، پیشرفتی نکرده است. به خرمشهر رفتیم. در شهرک صنعتی، کارخانه کوچک لوله‌سازی از پلی‌اتیلن متعلق به ستاد معین خرمشهر افتتاح شد. در مراسم، آقایان کامروا، [رییس ستاد معین خرمشهر] و عبدالحسن مقتدایی، استاندار و [احمد مطیعی]، مدیرکل منابع طبیعی صحبت کردند و استاندار، جواب بعضی از سخنان آقای کامروا را داد که گفت در این دولت، دستاوردهای دولت‌های قبل در بازسازی، تضعیف شده است.

و بیکاری است یا سقوط ارزش پول و عدم تکافوی درآمد آنها.

این یک فراکنی بزرگ است. وقتی می‌دانیم شرایط دشوار حاکم بر اقتصاد کشور، توان مالی همه از جمله زن و شوهرهایی که با عشق زندگی می‌کنند و قصد مطالبه مهریه در میان نیست هم تهدید می‌کند، چه رسد به جوانانی که در تهیه مسکن و انتخاب شغل مناسب درمانده‌اند. بنابراین وضعیت اقتصادی آنان را از ازدواج منصرف می‌کند نه مهریه.

دوم اینکه، گفتیم مهریه توافقی است میان زوجین و مرد می‌تواند، میزان مهریه‌ای که در توان او نیست را نپذیرد. اگر میزان غیرقابل پرداختی را پذیرفته پس تاوان تصمیم خود را می‌دهد.

آقای آذری مطلبی با این مضمون گفته‌اند که؛ مطالعه تطبیقی کرده‌ایم و برخی کشورها اصل تصنیف اموال را اجرا می‌کنند. سلّمنا، شما در قوانین ایران این اصل را اجرایی و جایگزین مهریه کنید، اطمینان داشته باشید که بر اساس اجتهاد هم خودش نوعی به‌روز شدن مفهوم مهریه است و همه خواهند پذیرفت. جامعه زنان حتماً از چنین تصمیمی بیشتر استقبال خواهد کرد. به شرط آنکه اموال و دارایی‌ها به محض انتقال به افراد در سامانه‌های الکترونیکی قابل ثبت باشد و امکان انتقال صوری اموال فراهم نباشد و تصنیف به صورت واقعی اجرا شود. درواقع، تدابیر اجرای تصنیف اموال هم در قوانین اندیشیده شود. زندگی یک روند و فرآیند مستمر و مشترک میان زن و مرد است که هر دو در تمام اجزای آن مشارکت دارند و حتی اگر زن، شاغل هم نباشد، برآورد هزینه مالی نقش خانگی او چه بسا بیشتر از مردان باشد. بنابراین اتفاقاً اصل تصنیف عادلانه خواهد بود. اما این عضو کمیسیون حقوقی و قضایی اعلام نکرده‌اند که قصد داریم چنین اصلی را در قوانین وارد کنیم بلکه گفته است در مطالعات با آن مواجه شده‌ایم و شاید بعدها بتوان به آن اندیشید. بنابراین تا زمانی که این موضوع را وارد قوانین نکرده‌اید، حق ندارید مهریه را که تنها حق و ابزار زن برای دریافت حقوق قانونی و شرعی اوست، محدود و محدودتر کنید.

آقای آذری گفته‌اند: [شاید به لحاظ رفتار بد خودمان (مهریه) به ابزاری برای مثلاً معامله حضانت فرزندان، نفقه، هبه، نحلّه، اجرت‌المثل تبدیل شده است].

به نظر می‌رسد این اعتراف درستی است. رفتار بد قانونگذار در عدم حمایت مادر در داشتن حضانت فرزند

حین جدایی و عدم حمایت کافی در حقوق مالی‌اش،

گاهی زن یا مادر را مجبور می‌کند که از مهریه به عنوان

ابزاری برای مطالبه حق خود استفاده کند.

چرا به جای اینکه قانون را به گونه‌ای اصلاح کنیم تا نیاز نباشد، زوجه برای به دست آوردن حقوق طبیعی‌اش از مهریه استفاده ابزاری کند، تنها ابزاری که فعلاً در قوانین موجود دارد از او کاملاً گرفته و دست او را از همه چیز تهی می‌کنیم؟

حقوق زن در قانون خانواده ناعادلانه است. حضانت فرزند که با جان و روح مادر وابسته است، حق اشتغال، حق تحصیل، حق خروج از کشور، حق طلاق، حتی حق تعیین محل اقامت و... در قانون با مرد است و می‌تواند، مانع زن شود مگر اینکه زن به صورت شرط ضمن عقد قید کند [تا بتواند حقش را به صورت امتیاز مطالبه کند].

و مهریه [هرچند امروز می‌تواند، جای خود را به تصنیف اموال بدهد] فعلاً تنها حقی است که به ضد حق، بدل کرده و چماقی علیه خود زنان ساخته‌اند. آیا این است عدالت حقوقی‌ای که به دنبال آن هستیم؟

ریشه‌های فقهی مهریه چیست؟ در فقه، مهریه عندالمطالبه است یا عندالاستطاعه و کدام از لحاظ فقهی قابل پذیرش بوده و با فلسفه مهریه در تضاد نیست؟ همچنین اینکه سقفی برای مهریه تعیین شود با مبانی فقهی سازگار است؟

به طور مختصر می‌توان گفت، مَهر از ریشه صدّاق، مالی است که اساساً به‌عنوان نشانه صداقت و تعهد مرد در ازدواج تعیین می‌شود. مهریه مبنای قرآنی آن آیات متعددی است؛ از جمله؛ ۴ سوره نساء که چنین بیان می‌کند: «مهر زنان را به عنوان هدیه بدهید؛ و اگر آنها خود

چیزی از آن را به میل خود به شما ببخشند، آن را گوارا و شکوهمندانه مصرف کنید».

مهریه، هم در فقه امامیه و هم اهل سنت به عنوان حق مالی زن شناخته شده که با عقد نکاح به‌وجود می‌آید و در همه متون فقهی شیعی، اصل بر «عندالمطالبه» بودن مهر است مگر خلافش شرط شود.

عندالمطالبه یعنی به محض عقد، زن مالک مهر می‌شود و هر زمان بخواهد، می‌تواند آن را مطالبه کند مگر اینکه در متن عقد به صورت شرط در ضمن آن ذکر شود. (به اصطلاح به صورت «شرط ضمن عقد» زن تصریح کند که مهر را در صورت استطاعت یا همان عندالاستطاعه دریافت خواهد کرد.)

در تمام کتاب‌های فقهی سنتی تصریح شده است: زن با عقد، مالک مهر می‌شود و می‌تواند آن را فوراً مطالبه کند مگر اینکه تأخیر در آن در «شرط» مجاز شده باشد. بنابراین «عندالاستطاعه» بودن مهریه فقط در صورتی که به صورت شرط ضمن عقد و با موافقت زن باشد، مجاز و شرعی است.

دخالّت حکومت از طریق قانون در این حق که اختیار پذیرش آن به خود زن سپرده شده از لحاظ شرعی محل تردید جدی است.

درباره این پرسش که آیا تعیین سقف برای مهریه با مبانی فقهی سازگار است؟ باید گفت، اگر سقف الزام‌آوری تعیین شود با توجه به ادله و استنادات فقهی قطعاً شرعی نخواهد بود و نمی‌توان حق زنان را ساقط کرد. اما اگر سقف تعیین شده فقط از باب حمایت‌گیری ت آن میزان باشد و مابقی مهریه از لحاظ حقوقی، قابل مطالبه بوده و ضمانت اجراهای حقوقی لازم را داشته باشد، قابل توجیه است.

فراموش نکنیم؛ در قرآن و فقه، هرگز مقدار مهر، محدود نشده و هیچ نصی مبنی بر مجاز بودن محدود کردن مهر وجود ندارد. مهر هرگونه مالی نیز می‌تواند باشد.

قانون‌گذار شاید فقط بتواند ابزارهای اجرایی را محدود کند اما اصل مالکیت مهر را هرگز و اگر قانونگذار از این حیث، سقفی را جهت حمایت‌گیری تعیین می‌کند باید با رعایت «شرایط زوجه» همچنین «شرایط اقتصادی کشور» باشد.

آیا ۱۴ سکه که اگر همین امروز محاسبه شود، که حدوداً یک میلیارد و چهارصد میلیون خواهد شد، حتی رهن یک واحد مسکونی درخور و ذخیره حمایتی یک زن پس از جدایی خواهد بود؟! بر چه مبنایی محدودیت پیشین قانونی که ۱۱۰ سکه تعیین شده بود به ۱۴ سکه باید تقلیل پیدا کند؟! اگر دختر یا خواهر شما شغلی با درآمد مناسب نداشته باشد و در زندگی از عدم استقلال مالی رنج ببرد و خدای نخواسته پس از جدایی هم با همین میزان مهریه (۱۴سکه)، آوارگی و نداری را تجربه کند و مجبور به وابسته بودن به شما یا اطرافیان باشد و یا از هراس وضعیتی که دارد به همسری مرد دیگری بدون رضا و سر اجبار درآید، راضی خواهید بود؟!

اگر گمان می‌کنید ممکن است از مهریه سوء استفاده شود، آیا مروری بر هزاران پرونده‌ای که زنان بدون دریافت مهریه جدا شده‌اند و در منجلاب مشکلات متعددی قرار گرفته‌ان، کرده‌اید؟

و در آخر، جای خرسندی بود، سخنگوی کمیسیون قضایی مجلس که نماینده قوچان و فاروج است، از فراکسیون‌ها و سمن‌های زنان خواسته؛ در این زمینه ورود کنند تا قانون خوبی تصویب شود که مورد حمایت جامعه مدنی باشد. این نگاه ایشان شایسته تقدیر است چه اینکه پیش از این، چنین درخواستی نمی‌شد و قوانینی بدقواره، بریده و دوخته شده و بر تن جامعه زنان و جامعه مدنی پوشیده می‌شد، بی‌آنکه نظر و صدای آنان شنیده شود. البته باید اضافه کنم باید همه محتوای طرح، انتشار یابد تا قابل بحث و بررسی دقیق‌تر باشد و هنوز متن کامل طرح این اصلاحیه قانونی منتشر نشده است. منتظر ارائه متن کامل آن به جامعه خواهیم بود.

کاش این یک رویه شود که متن همه طرح‌ها و لوایح پیش از ورود به صحن علنی مجلس در صحن ملت طرح شود تا قانونی باشد که همه با آن همراه باشند نه بر آن.